



عنوان طرح:

بررسی عوامل مرتبط با بروز اختلاف بین زوجین و شیوه‌های حل آنها

کد طرح: ۲۲-۷۰۴۶

مسئول طرح:

یونس اکبری

پژوهشکده علوم اجتماعی

گروه پژوهشی مطالعات جوانان و مناسبات نسلی

گزارش پایانی

معاونت پژوهشی

شهریور ماه ۱۴۰۰

فهرست

فصل اول	۸
کلیات	۸
۱-۱ مقدمه و بیان مسئله	۹
۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق	۱۰
۱-۳ سوالات تحقیق	۱۱
۱-۴ اهداف تحقیق	۱۲
فصل دوم	۱۳
مبانی نظری و پیشینه تجربی	۱۳
۲-۱ پیشینه پژوهش	۱۴
۲-۱-۱ پژوهشهای داخلی	۱۴
۲-۱-۲ پژوهشهای خارجی	۱۹
۲-۱-۳ جمع بندی	۲۴
۲-۲ مبانی نظری	۲۵
۲-۲-۱ نظریه همسان همسری	۲۵
۲-۲-۲ ناهمسان همسری	۲۶
۲-۲-۳ نظریه شبکه	۲۷
۲-۲-۴ نظریه تضاد	۲۸
۲-۲-۵ نظریه نابرابری جنسی	۲۹
۲-۲-۶ نظریه اختلال هنجاری چلبی	۳۲
۲-۲-۷ نظریه گذار دوم جمعیتی	۳۳
۲-۲-۸ نظریه تحول فرهنگی	۳۶
۲-۲-۹ نظریه آرمانگرایی توسعه ای	۴۰

- ۲-۲-۱۰ نظریه پارسونز ۴۲
- ۲-۲-۱۱ کنش متقابل نمادین ۴۳
- ۲-۲-۳ چارچوب نظری ۴۴
- فصل سوم ۵۰
- روش شناسی تحقیق ۵۰
- ۳-۱ روش تحقیق ۵۱
- ۳-۲ تعریف مفاهیم تحقیق ۵۲
- ۳-۲-۱ ارزشها و نگرشها ۵۳
- ۳-۲-۲ نگرش به ازدواج ۵۳
- ۳-۲-۳ نگرش های جنسیتی ۵۴
- ۳-۲-۴ حق طلبی ۵۵
- ۳-۲-۵ رضایت از زندگی ۵۵
- ۳-۲-۶ عوامل خوشبختی ۵۵
- ۳-۲-۷ رضایت جنسی ۵۶
- ۳-۲-۸ موارد اختلاف بین زوجین ۵۶
- ۳-۲-۹ شیوه‌های حل اختلافات ۵۶
- فصل چهارم ۵۷
- توصیف و تحلیل دادهها ۵۷
- ۴-۱ مقدمه ۵۸
- ۴-۲ توصیف داده ها ۵۸
- ۴-۲-۱ نگرش به ازدواج ۵۹
- جدول شماره ۱: نگرش به ازدواج ۵۹
- ۴-۲-۲ نگرش جنسیتی ۵۹

- جدول شماره ۲: نگرش جنسیتی ۵۹
- ۴-۲-۳ حق طلبی ۶۰
- جدول شماره ۳: حق طلبی ۶۰
- ۴-۲-۴ رضایت جنسی ۶۰
- جدول شماره ۴: رضایت جنسی ۶۰
- ۴-۲-۵ رضایت از زندگی ۶۱
- جدول شماره ۵: رضایت از زندگی ۶۱
- ۴-۲-۶ سرمایه فرهنگی ۶۱
- جدول شماره ۶: سرمایه فرهنگی ۶۱
- ۴-۲-۷ نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه ۶۲
- جدول شماره ۷: نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه ۶۲
- ۴-۲-۸ فشار شغلی ۶۲
- جدول شماره ۸: فشار شغلی ۶۲
- ۴-۲-۹ تعارض در مورد گذراندن وقت با همدیگر ۶۳
- جدول شماره ۹: تعارض در مورد گذراندن وقت با همدیگر ۶۳
- ۴-۲-۱۰ تعارض در مورد معاشرت با خانواده پاسخگو ۶۳
- جدول شماره ۱۰: تعارض در مورد معاشرت با خانواده پاسخگو ۶۳
- ۴-۲-۱۱ تعارض در مورد حضور به موقع در منزل ۶۴
- جدول شماره ۱۱: تعارض در مورد حضور به موقع در منزل ۶۴
- ۴-۲-۱۲ تعارض در مورد معاشرت به خانواده همسر ۶۵
- جدول شماره ۱۲: تعارض در مورد معاشرت با خانواده همسر ۶۵
- ۴-۲-۱۳ تعارض در مورد نوع شغل و ۶۵
- جدول شماره ۱۳: تعارض در مورد نوع شغل و ۶۵

- ۴-۲-۱۴ مراجع به مشاور به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۶
- جدول شماره ۱۴: مراجع به مشاور به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۶
- ۴-۲-۱۵ مراجع به ریش سفیدان به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۶
- جدول شماره ۱۵: مراجع به ریش سفیدان به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۶
- ۴-۲-۱۶ تحمل و سازگاری به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۷
- جدول شماره ۱۶: تحمل و سازگاری به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۷
- ۴-۲-۱۷ مراجع به دادگاه و شکایت قضایی به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۷
- جدول شماره ۱۷: مراجع به دادگاه و شکایت قضایی به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۷
- ۴-۲-۱۸ ترک منزل به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۸
- جدول شماره ۱۸: ترک منزل به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۸
- ۴-۲-۱۹ تفاهم و گفتگو به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۹
- جدول شماره ۱۹: تفاهم و گفتگو به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۹
- ۴-۲-۲۰ کمک گرفتن از دوستان به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۹
- جدول شماره ۲۰: کمک گرفتن از دوستان به عنوان راه حل رفع تعارض ۶۹
- ۴-۲-۲۱ شاخص میزان تعارض بین زوجین ۷۰
- جدول شماره ۲۱: شاخص میزان تعارض بین زوجین ۷۰
- ۴-۲-۲۲ معیارهای خوشبختی از نظر متاهلین ۷۰
- جدول شماره ۲۲: معیارهای خوشبختی از نظر متاهلین ۷۰
- ۴-۲-۲۳ تحصیلات زوجین ۷۱
- جدول شماره ۲۳: تحصیلات زوجین ۷۱
- ۴-۲-۲۴ تحصیلات پاسخگو ۷۱
- جدول شماره ۲۴: تحصیلات پاسخگو ۷۱
- ۴-۲-۲۵ تحصیلات همسر پاسخگو ۷۲

- جدول شماره ۲۵: تحصیلات همسر پاسخگو ۷۲
- ۳-۴ تبیین و تحلیل دادها ۷۲
- ۱-۳-۴ رابطه بین حق طلبی و تعارض بین زوجین ۷۲
- جدول شماره ۲۶: رابطه بین حق طلبی و تعارض بین زوجین ۷۲
- ۲-۳-۴ رابطه بین سرمایه فرهنگی و تعارض بین زوجین ۷۳
- جدول شماره ۲۷: رابطه بین سرمایه فرهنگی و تعارض بین زوجین ۷۳
- ۳-۳-۴ رابطه بین نگرش به ازدواج و تعارض بین زوجین ۷۳
- جدول شماره ۲۸: رابطه بین نگرش به ازدواج و تعارض بین زوجین ۷۳
- ۴-۳-۴ رابطه بین رضایت از زندگی و تعارض بین زوجین ۷۴
- جدول شماره ۲۹: رابطه بین رضایت از زندگی و تعارض بین زوجین ۷۴
- ۵-۳-۴ رابطه بین رضایت جنسی و تعارض بین زوجین ۷۴
- جدول شماره ۳۰: رابطه بین رضایت جنسی و تعارض بین زوجین ۷۴
- ۶-۳-۴ رابطه بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین ۷۵
- جدول شماره ۳۱: رابطه بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین ۷۵
- ۷-۳-۴ رابطه بین میزان درآمد پاسخگو و تعارض بین زوجین ۷۵
- جدول شماره ۳۲: رابطه بین میزان درآمد پاسخگو و تعارض بین زوجین ۷۵
- ۸-۳-۴ رابطه بین میزان هزینه ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین ۷۵
- جدول شماره ۳۳: رابطه بین میزان هزینه ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین ۷۵
- ۹-۳-۴ رابطه بین تحصیلات زوجین و تعارض بین زوجین ۷۶
- جدول شماره ۳۴: رابطه بین تحصیلات زوجین و تعارض بین زوجین ۷۶
- ۱۰-۳-۴ رابطه بین تحصیلات پاسخگو و تعارض بین زوجین ۷۶
- جدول شماره ۳۵: رابطه بین تحصیلات پاسخگو و تعارض بین زوجین ۷۶
- ۱۱-۳-۴ رابطه بین تحصیلات همسر پاسخگو و تعارض بین زوجین ۷۷

- جدول شماره ۳۶: رابطه بین تحصیلات همسر پاسخگو و تعارض بین زوجین ۷۷
- ۳-۴-۱۲ رابطه بین نگرش جنسیتی و تعارض بین زوجین ۷۷
- جدول شماره ۳۷: رابطه بین نگرش جنسیتی و تعارض بین زوجین ۷۷
- ۳-۴-۱۳ رابطه بین فشار شغلی و تعارض بین زوجین ۷۷
- جدول شماره ۳۸: رابطه بین فشار شغلی و تعارض بین زوجین ۷۷
- ۳-۴-۱۴ رابطه بین نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه و تعارض بین زوجین ۷۸
- جدول شماره ۳۹: رابطه بین نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه و تعارض بین زوجین ۷۸
- ۳-۴-۱۵ رابطه بین سال ازدواج و تعارض بین زوجین ۷۸
- جدول شماره ۴۰: رابطه بین سال ازدواج و تعارض بین زوجین ۷۸
- ۳-۴-۱۶ رابطه بین مشاهده خشونت بین والدین و تعارض بین زوجین ۷۹
- جدول شماره ۴۱: رابطه بین مشاهده خشونت بین والدین و تعارض بین زوجین ۷۹
- ۳-۴-۱۷ رابطه بین سن و تعارض بین زوجین ۷۹
- ۳-۴-۱۸ رابطه بین تعارض بین زوجین و معیارهای خوشبختی ۸۰
- جدول شماره ۴۳: رابطه بین تعارض بین زوجین و معیارهای خوشبختی ۸۰
- ۳-۴-۱۹ رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و تعارض بین زوجین ۸۰
- جدول شماره ۴۶: رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و تعارض بین زوجین ۸۰
- فصل پنجم ۸۳
- بحث و نتیجه گیری ۸۳
- ۵-۱ مقدمه ۸۴
- ۵-۲ جمع بندی ۸۴
- ۵-۳ نتیجه گیری ۸۶
- ۶- منابع ۹۰



فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه و بیان مسئله

ازدواج به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اساسی در هر جامعه‌ای به عنوان یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین روابط انسانی شناخته می‌شود و بصورت فرهنگی، دینی و اجتماعی به عنوان پیوند دهنده زن و مرد، به رسمیت شناخته شده است. این پیوند حقوق و تکالیفی بین همسران و فرزندانشان ایجاد می‌کند. ازدواج به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی نه تنها ساختار اولیه برای تشکیل روابط خانوادگی را فراهم می‌کند بلکه زمینه‌ساز ایجاد و پرورش نسلهای آینده است. با این حال نتایج تحقیقات حاکی از آن است که امروزه افراد جامعه تمایل زیادی به ازدواج ندارند چرا که حفظ خرسندی و پیوند زناشویی بصورت روزافزونی دشوار شده است (آگبولا^۱ و الواتسین^۲، ۲۰۱۸: ۳۰۶).

ایران نیز به مانند بسیاری از کشورهای جهان با کاهش تمایل به ازدواج روبه‌رو است بطوری که آمارها حاکی از آن است که تعداد ازدواج از سال ۱۳۸۶ با ۸۴۱۱۰۷ مورد به ۵۳۰۲۲۵ مورد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. علل مختلفی مانند تغییر نگرش به تشکیل خانواده و ازدواج، تغییر ارزشها از سنتی به مدرن و ... را می‌توان به عنوان عامل کاهش تمایل به ازدواج در جامعه عنوان کرد، ولی یکی از مهمترین این علتها را نیز می‌توان نگرانی افراد از ثبات زندگی مشترک قلمداد کرد. افزایش میزان طلاق در جامعه با وجود قبح اجتماعی آن بیانگر این مطلب است که نگرانی از حفظ رابطه زناشویی تا حد زیادی پایه و اساس واقعی دارد بطوری که آمارها نشان می‌دهد تعداد طلاق در کشور از سال ۱۳۸۵ با ۹۴۰۳۹ مورد به ۱۷۴۸۳۱ مورد در سال ۱۳۹۸ رسیده است که حاکی از افزایش تقریباً دو برابری تعداد طلاق است.^۳

در حد واسط بین متغیر ازدواج و طلاق قاعدتاً یک عامل میانجی سبب‌ساز وقوع طلاق است که این عامل نیز بروز تعارض بین زن و شوهر است. درست است که تمامی تعارضها منجر به طلاق نمی‌شود و حتی نبود اختلاف و تعارض در یک خانواده به این معنی نیست که آن خانواده در هماهنگی و سازگاری به سر می‌برد چرا که ممکن است همسران نسبت به هم فاصله داشته باشند، غریبه شوند و یا حتی بی‌تفاوت باشند و

^۱ : Agboola

^۲ : Oluwatosin

^۳ رجوع کنید به سایت سازمان ثبت احوال کشور <https://www.sabteahval.ir/Home>

بنابراین هیچ اختلاف و تعارضی در رابطه‌شان وجود نداشته باشد (ابلینین^۱ و گابوسوین^۲، ۲۰۱۵: ۸۱). با این حال شاید بتوان اینگونه بیان کرد که تعارضها از مهمترین تعیین‌کننده‌های کمیت و کیفیت روابط بین زوجین است. وقتی یکی از زوجین به این نتیجه می‌رسد که آنچه او می‌خواهد با آنچه همسرش می‌خواهد ناسازگار است، تعارض به وجود می‌آید. در حقیقت تعارضها و اختلافها از ناسازگاری اهداف و منافع زوجین و ارزیابیهای متفاوتشان از زندگی زناشویی ناشی می‌شود (اسدی و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۰۵۷). عوامل مختلفی در بروز و ظهور تعارض و شیوه‌های حل اختلاف بین زوجین تاثیرگذار هستند که تحقیق حاضر سعی دارد با استفاده از داده‌های پیمایش ملی خانواده در ایران به این مسئله پاسخ دهد که چه عواملی بر بروز تعارض بین زوجین تاثیرگذار هستند و شیوه‌های حل اختلاف توسط زوجین چه هستند.

۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق

ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی پیشینه‌ای هزاران ساله دارد و در طول چندین هزار سال شاهد تغییرات اندکی بوده است؛ اما این نهاد اجتماعی از اواسط قرن بیستم به بعد شاهد تغییرات فراوانی بوده است بطوری که در بسیاری از کشورها ازدواج به پدیده‌ای نه چندان متداول بدل شده است و افراد بعد از چندین سال زندگی با هم ازدواج می‌کنند، زوج‌های ازدواج نکرده که انتخاب کرده‌اند که با هم زندگی کنند در حال افزایش است و در بسیاری از کشورها می‌توان شاهد افزایش جدا شدن والدین و زوج‌ها از هم بود. در واقع در طول چندین دهه گذشته نهاد خانواده تغییراتی بیش از قدمت چندین هزار ساله خود را شاهد بوده است.^۳

بررسی آمارهای ثبت شده در سازمان ثبت احوال کشور نیز حاکی از آن است در سال ۱۳۹۸ به ازای ۵۳۰۲۲۵ ازدواج ثبت شده در کشور ۱۷۴۸۳۱ مورد طلاق ثبت شده است^۴ که بیانگر این مطلب است که به ازای هر سه ازدواج در کشور می‌توان شاهد وقوع یک طلاق بود. علاوه بر این روند آمار ازدواجها و طلاقهای

^۱ : Birutė Obelenienė

^۲ : Gintarė Gabševičienė

^۳ : <https://ourworldindata.org>

^۴ : رجوع کنید به سایت سازمان ثبت احوال کشور <https://www.sabteahval.ir/Home>

ثبت شده در کشور نیز حاکی از آن است که در دهه گذشته کشور با کاهش چشمگیر آمار ازدواج و رشد آمار طلاق روبه‌رو بوده است. غالباً تعارضهای عمیق و حل نشده بین زوجین به عنوان عامل اصلی طلاق در نظر گرفته می‌شود. بخشی از تعارضها و اختلافها ناشی از عوامل بیرون از نهاد خانواده مانند تغییرات ارزشهای جامعه و نفوذ و گسترش روند مدرنیزاسیون است و بخشی دیگر معلول عوامل درونی نهاد خانواده است که البته این عوامل درونی و بیرونی نهاد خانواده در هم تنیده و پیوسته هستند چرا که نهاد خانواده به عنوان نهادی اجتماعی خارج از اجتماع نبوده و عوامل تشکیل دهنده آن افرادی هستند که جزء تشکیل دهنده نظام بزرگتر جامعه نیز هستند. با این وصف جدای از کاهش نرخ ازدواج در قالب کلان آن که ناشی از عوامل مختلفی است، بروز اختلاف بین زوجین که بعضاً به طلاق می‌انجامد موضوعی است که پیامدهای حقوقی، اجتماعی و روانی مختلفی را برای افراد جامعه به دنبال دارد که نیازمند تحقیق و بررسی در مورد علل بروز آن و شیوه‌های حل و فصل اختلافات توسط زوجین است.

در رابطه با موضوعات مرتبط با علل بروز اختلاف بین زوجین و شیوه‌های حل آن تحقیقات گوناگونی در داخل کشور انجام شده که غالب آنها نیز از بعد روانشناختی و مشاوره‌ای به موضوع توجه کرده‌اند و بیشتر این تحقیقات نیز در مقیاس خرد صورت گرفته‌اند. در این بین جای خالی تحقیقاتی که، به واسطه ماهیت موضوع تحقیق که جنبه اجتماعی دارد، پدیده بروز تعارض بین زوجین و شیوه‌های حل اختلاف بین آنها را از نظرگاهی اجتماعی و در مقیاس کلان و کشوری هیچ کدام از تحقیقات از نظرگاه تغییرات ارزشی در جامعه را مورد بررسی قرار نداده‌اند که در این پژوهش سعی بر آن است که از این نظرگاه به تعارض زناشویی در ایران پرداخته شود مورد توجه قرار دهد، به چشم می‌خورد. تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های پیمایش ملی خانواده قصد دارد در راستای پر کردن خلاء معرفتی در این زمینه گامی کوچک بردارد و با پاسخگویی به سوالات زیر خشت کوچکی به دیوار معرفت در زمینه موضوع تحقیق اضافه کند.

۱-۳ سوالات تحقیق

موارد تعارض بین زوجین در نهاد خانواده کدام هستند؟

عوامل مرتبط با بروز تعارض بین زوجین در نهاد خانواده چه هستند؟

شیوه حل تعارض زوجین در هنگام بروز اختلاف چه هستند؟
چه راه‌کارهایی برای کاهش اختلاف بین زوجین می‌توان پیشنهاد داد؟

۱-۴ اهداف تحقیق

شناخت موارد اصلی تعارض زوجین در جامعه ایرانی
تعیین عوامل موثر بر بروز تعارض بین زوجین در جامعه ایران
تعیین نحوه مواجهه زوجین در هنگام بروز تعارض در جامعه ایرانی
ارائه راه‌حلهایی برای کاهش تعارض بین زوجین در جامعه ایرانی

فصل دوم

مبانی نظری و پیشینه

تجربی

۲-۱ پیشینه پژوهش

۲-۱-۱ پژوهش‌های داخلی

سفیری و محرمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی پیوند ناهمسان‌همسری فرهنگی با میزان اختلافات زناشویی" به بررسی پیوند ناهمسان‌همسری فرهنگی و اختلافات زناشویی در میان زنان شاغل و خانه‌دار پرداختند. روش تحقیق این پژوهش از نوع کمی و پیمایشی بوده و حجم نمونه شامل ۲۸۴ زن همسر دار بوده و از نظریه همسان‌همسری برای تبیین مسئله پژوهش بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که میان اختلافات زناشویی و ناهمسان‌همسری فرهنگی در تفاوت باورهای مذهبی همسران و سنتی بودن خانواده، پیوندی معنادار وجود دارد؛ همچنین میان تفاوت در باورهای مذهبی همسران و میزان اختلافات زناشویی، در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار، نیز تفاوتی معنادار وجود دارد؛ به گونه‌ای که این متغیر در ایجاد اختلاف زناشویی در میان آزمودنی‌های شاغل، بیش از خانه‌دار است. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که میان سنتی بودن خانواده در حوزه انتخاب همسر و میزان اختلاف زناشویی در میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار هم تفاوتی معنادار وجود دارد و آزمودنی‌های خانه‌دار دارای خانواده سنتی، اختلاف زناشویی بیشتری نسبت به زنان شاغل داشته‌اند. علاوه بر این میان میزان اختلاف زناشویی و متغیرهای سن ازدواج، مدت زناشویی، اختلاف سنی با همسر، میان دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار تفاوتی معنادار دیده نمی‌شود.

امراهی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "تعارض زناشویی، رضایت زناشویی و رضایت جنسی: مقایسه زنان دارای ازدواج‌های فامیلی و غیر فامیلی" در صدد تعیین تفاوت‌های مربوط به تعارض زناشویی، رضایت زناشویی و رضایت جنسی در زنان متأهل دارای ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی بودند. بدین منظور آنها ۱۹۱ زن متأهل، از بین پرستاران شاغل (۱۰۰ نفر دارای ازدواج غیرفامیلی و ۹۱ نفر دارای ازدواج فامیلی) در بیمارستان‌های شهر تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و پرسشنامه‌های رضایت زناشویی اینریچ (ENRICH)، تعارض زناشویی (MCQ) رضایت جنسی (ISS) بر روی آنها اجرا کردند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تحلیل واریانس چند متغیره و تک متغیره حاکی از تفاوت معنادار دو

گروه در متغیرهای رضایت زناشویی و ابعاد آن (بجز بعد ارتباط جنسی)، تعارض زناشویی و ابعاد آن و رضایت جنسی بوده است. علاوه بر این مقایسه میانگین‌ها نشان داده است که زنان دارای ازدواج‌های غیر فامیلی از رضایت زناشویی و رضایت جنسی بالاتر و تعارض زناشویی پایین‌تری نسبت به زنان دارای ازدواج‌های فامیلی برخوردارند. به طور کلی نتایج این پژوهش حاکی از آن است که زوجین دارای ازدواج‌های غیر فامیلی از ارتباطات رضایت بخش‌تری نسبت به زوجین دارای ازدواج فامیلی برخوردارند.

لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی عوامل مرتبط با تعارضات زناشویی در شهر شیراز" با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس و حجم نمونه ۱۰۰ پاسخگو به این نتیجه رسیدند که بین تعارض زناشویی با تحصیلات زوجین، اشتغال زنان، رضایتمندی جنسی، میزان اعتماد به نفس، دخالت خانواده‌ها و عدم تفاهم و عدم تجانس فرهنگی و اعتقادی و همچنین اعتیاد رابطه معنادار وجود دارد. علاوه بر این نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین فاصله سنی زوجین و طول مدت ازدواج و تعارض زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد بطوری که هر چه فاصله بین زن و شوهر کمتر باشد تفاهم آنها بیشتر و اختلافات و تشنج بین آنها کمتر است و همچنین هر چه طول مدت ازدواج زوجین بیشتر باشد تعارض آنها کمتر است.

جهانی دولت‌آباد و حسینی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه جامعه‌شناختی علل و زمینه‌های بروز تعارضات زناشویی در شهر تهران" به شناسایی انواع تعارضات زناشویی، علل و زمینه‌های بروز و تداوم آن و راهبردهایی که زوجین در مقابله با چنین تعارضاتی در پیش می‌گیرند پرداختند. روش تحقیق در این پژوهش از نوع کیفی و شیوه گردآوری داده‌ها مصاحبه ساخت‌یافته بوده است. حجم نمونه این تحقیق نیز ۴۸ نفر بوده است. نگارنده‌گان این مقاله با نقد مطالعات صورت گرفته در حوزه خانواده به این نتیجه رسیدند که حوزه جامعه‌شناسی خانواده جهت تبیین فرآیندهای زناشویی توان نظری کافی را ندارد و بر این مبنا و با تکیه بر نظریه کنش متقابل نمادین و با به کارگیری مفهوم «پارادایم زناشویی» به عنوان حلقه گمشده مطالعات پیشین در این حوزه، سعی در ارائه مدل نظری برای تبیین تعارضات زناشویی دارند. منظور از پارادایم زناشویی در این پژوهش ۶ مقوله‌ی ۱. نقش‌های زناشویی (اعتقاد به تفکیک جنسیتی نقش در مقابل اعتقاد به تساوری نقش) ۲. دوام زناشویی (اعتقاد به تداوم زناشویی به عنوان وظیفه در مقابل اعتقاد به تداوم

زناشویی تا جایی که رضایت فردی تامین می‌شود) ۳. روابط با دیگران (اعتقاد به بسته بودن رابطه زوجین با نامحرم‌ها در مقابل اعتقاد به باز بودن رابطه) ۴. زمانبندی زناشویی (باورهای مربوط به زمانبندی ایده‌آل و مورد انتظار برای اتفاقات زناشویی از قبیل ازدواج و رسمیت یافتن رابطه، دوران نامزدی، فرزندآوری و... ۵. اهمیت زناشویی (جایگاه خاص زناشویی برای فرد در مقابل جایگاه خنثی و هم‌وزن با سایر روابط ممکن) و ۶. منطق زناشویی (نگاه مبتنی بر عقل و مصلحت به زناشویی در مقابل نگاه رمانتیک (تقابل عقل و احساس) هستند. بر اساس این مدل تعارض زناشویی نه نتیجه یک یا چند عامل ثابت و مشخص، بلکه محصول برخورد پارادایم‌های مخالف یا متفاوت با هم است.

مسعودی نیا و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق" با هدف شناخت و پیشگیری از طلاق در کشور، با استفاده از روش پدیدارشناسانه به بررسی عوامل فرهنگی طلاق پرداخته‌اند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۹ نفر از مردان و زنان طلاق گرفته شهر اصفهان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند و اطلاعات، از طریق مصاحبه عمیق جمع‌آوری شده است. براساس نتایج به دست آمده، عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق شامل چهار زیر مجموعه: الف- "عدم پایبندی به ارزش‌های مذهبی و اخلاقی" ب- "عدم پایبندی به ارزش‌های اجتماعی" ج- نابه‌نجاری‌های فرد و خانواده و د- "تفاوت در خرده فرهنگ-هاست. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در کدبندی الف: کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی - دینی و عدم پایبندی به آنها در ارتباط با جنس مخالف و در قسمت ب: افزایش توقعات، انحرافات و نارضایتی جنسی، تغییر در نقش‌های جنسیتی، تأثیر منفی رسانه‌ها و وجود باورهای نادرست در فرد، همچنین در قسمت ج: فقدان آمادگی و مهارت در فرد و خانواده برای انتخاب و زندگی مشترک، فقدان مهارت جنسی، عدم توانایی برای حل مشکل و تعارض در زوجین، فرهنگ تحمیل در انتخاب همسر، قدرت‌طلبی و سلطه‌گری در خانواده و فرهنگ اقتصادی نادرست و در نهایت، در کدبندی د: تفاوت در خرده فرهنگها و عدم کفویت زوجین در زمینه‌های مختلف، در بروز اختلاف زناشویی و طلاق آنها موثر بودند.

مسعود اصل و راد (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز" با استفاده از روش کمی و پیمایشی به بررسی عوامل مرتبط با ناسازگاری زناشویی در بین ۲۰۰ زن که برای حل مسائل زناشویی به دادگاه یا شورای حل اختلاف مراجعه کرده بودند، پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که ناکامی جنسی با بتای (۰/۳۲) بیشترین سهم را در میزان ناسازگاری زناشویی دارد و در مجموع (۰/۴۱) میزان ناسازگاری زناشویی توسط متغیرهای ناکامی جنسی، پایبندیهای مذهبی و پایگاه اجتماعی (پایین) تبیین شده است. علاوه بر این نتایج حاکی از آن است که رابطه ناکامی جنسی و پایگاه (پایین) با میزان ناسازگاری زناشویی رابطه مستقیم و از طرف دیگر با پایبندیهای مذهبی رابطه معکوس دارد.

ناجی اصفهانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "کاوش در چگونگی حل مسئله در بین همسران تازه ازدواج کرده‌ی شهر اصفهان" با استفاده از روش کیفی به توصیف و مستند کردن استراتژی‌های مواجهه با مسئله در رابطه بین همسران تازه ازدواج کرده‌ی شهر اصفهان پرداخته‌اند. هدف از انجام این مطالعه دستیابی به منظومه‌های مفهومی همسران تازه ازدواج کرده از راهبردهای حل مسئله‌ی آنهاست، بر این اساس از اصول و قواعد روش‌شناسی نظریه‌ی زمینه‌ای برای تحلیل داده‌های به دست آمده استفاده شده است. نمونه‌ها در این پژوهش براساس قاعده‌ی نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. یافته‌های این تحقیق در قالب سه دسته قابل ذکر است:

۱. اول آنکه ۱۵ مقوله‌ی مرتبط با راهبردهای حل مسئله‌ی همسران عبارتند از: پرهیز از کشاکش، جلوگیری از تلنبارگی، مدیریت هیجانات شخصی یا درونی، بازاندیشی در خود، مسکوت کردن، تشدید کردن، خودمداری، دیگرمداری، مذاکره، اقناع و توافق، واگذاری، ملاحظت، تعدیل و تخفیف، حل و فصل و فراست.
۲. راهبردهای اتخاذی همسران یا برخاسته از مهارت آنها در مواجهه با مسئله است یا برخاسته از ویژگیهای فیزیولوژیک، روانشناختی و بدون تامل آنهاست.
۳. راهبردهای مذکور در یک چرخه مبادله‌ای بین همسران در گردش است.

زارع‌نژاد و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "رابطه احقاق جنسی و نارضایتی جنسی با بی‌رمقی زناشویی: نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی" به بررسی تاثیر رضایت جنسی بر رابطه زناشویی و رضایت از آن پرداختند. جامعه آماری این پژوهش همه زنان مراجعه‌کننده به مراکز خدمات مشاوره‌ای شهرستان زاهدان (۳۲۰ نفر) در زمستان سال ۹۴ بودند که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای شمار ۱۵۰ نفر انتخاب شدند. یافته‌های این پژوهش گویای این است که تعارض زناشویی نقش واسطه‌ای میان احقاق جنسی و بی‌رمقی زناشویی ($B = 0.23; P < 0.05$) و همچنین نقش واسطه‌ای میان نارضایتی جنسی و بی‌رمقی زناشویی ($B = 0.11; P < 0.05$) ایفا می‌کند. محققان این پژوهش اینگونه نتیجه‌گیری کردند که میان احقاق جنسی، نارضایتی جنسی، تعارض زناشویی و بی‌رمقی زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچقدر احقاق جنسی کمتر باشد، تعارض زناشویی و بی‌رمقی زناشویی بیشتر و با افزایش نارضایتی جنسی، تعارض زناشویی و دلزدگی افزایش می‌یابد و تعارض زناشویی نقش واسطه‌ای میان متغیرهای احقاق جنسی و بی‌رمقی زناشویی و همچنین میان نارضایتی جنسی و بی‌رمقی زناشویی ایفا می‌کند.

کاوه‌فارسانی و عارفه (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "واکوی راهبردهای زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی: یک نظریه زمینه‌ای" از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۴۰ زن و مرد متأهل که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند به بررسی تعارضات زناشویی پرداختند. بر اساس یافته‌های این پژوهش زمینه‌های موثر بر تعارضات زناشویی شامل: اختلاف نظر، نیازهای ارضاء نشده، موقعیت استرس‌آور، رفتارهای متضاد، بدقولی، اشتباهات همسر، فضای مجازی، حضور در جمع، ارتباط با خانواده‌های اصلی و شرایط نامساعد اقتصادی می‌باشند. افراد در هر یک از این زمینه‌ها اقدام به اتخاذ راهبردهایی هم چون گفت‌وگو، نیازشناسی، همیاری، علت‌یابی، عدم تذکرگري، زمان‌شناسی، درک نیاز ارتباطی، عدم موضع‌گیری، عدم شرمسار کردن و غیره نموده‌اند. نگارندگان این مقاله اینگونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که هرچند بروز تعارض در روابط زناشویی اجتناب‌ناپذیر است، اما راهبردهای اتخاذ شده توسط زوجین در مواجهه با این زمینه‌های تعارض برانگیز، می‌تواند اثر بحران‌سازی این تعارضات را از بین برده و پیامدهای مثبتی هم چون افزایش صمیمیت، تکامل شخصیتی، فرصت‌سازی، جذب احترام و غیره را در برداشته باشد.

زارعی و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی رابطه بخشش و جهت‌گیری مذهبی با تعارضات زناشویی" تعارضات زناشویی را مورد بررسی قرار دادند. این مطالعه از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری متشکل از معلمان متاهل و دارای فرزند از قم بوده که در تابستان سال ۲۰۱۶ در یک برنامه آموزش ضمن خدمت شرکت می‌کردند. از بین آنها، ۲۲۴ شرکت‌کننده بر اساس جدول مورگان با نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اختلافات زناشویی با بخشش و جهت‌گیری مذهبی درونی (منظور نوع مذهبی است که در آن فردی که تعهد کاملی به عقاید مذهبی‌شان دارند و تأثیر دین در هر جنبه از زندگی‌شان آشکار است). رابطه منفی دارد و بین اختلافات زناشویی و گرایش مذهبی بیرونی (منظور از مذهب بیرونی امری خارجی و ابزاری است که برای ارضای نیازهای فرد از آن استفاده می‌شود. در اصطلاح عامیانه به این افراد سست ایمان می‌گویند یعنی فرد فقط در شناسنامه صاحب دین است ولی جهان‌بینی‌های موجود در آن دین را در بیشتر موارد زندگی رعایت نمی‌کند و مسائل دینی را چندان در زندگیش دخالت نمی‌دهد) رابطه معناداری وجود نداشت. بر اساس یافته‌های این مقاله نگارندگان اینگونه استدلال کرده‌اند که توجه به جهت‌گیری مذهبی درونی زوجین و آموزش مهارت‌های بخشش، نقش مهمی در کاهش تعارضات زناشویی خواهد داشت.

۲-۱-۲ پژوهشهای خارجی

بریدیت^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "رفتارهای تعارض زناشویی و پیامدهای آن برای طلاق در طول ۱۶ سال" به بررسی رفتارهای تعارضی زناشویی و پیامدهای آنها که توسط خود زوجین در سالهای ۱، ۳، ۷ و ۱۶ سال ازدواج گزارش شده بود، پرداختند. نمونه این تحقیق ۳۷۳ از زوجین آمریکایی بودند که از این تعداد ۴۷ درصد سفید پوست و ۵۳ درصد نمونه مورد بررسی را سیاه پوستان تشکیل داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رفتارهای فردی (به عنوان مثال، رفتارهای مخرب) و الگوهای رفتاری بین زوجین

^۱: Birditt

(به عنوان مثال، کناره‌گیری همسران) در سال اول ازدواج میزان طلاق بالاتر را پیش بینی کرده است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که رفتارهای مخرب و کناره‌گیری همسران با گذشت زمان کاهش یافته، در حالی که رفتارهای تعارضی همسران ثابت مانده است و شوهران نسبت به همسران رفتارهای کناره‌گیرانه و مخرب کمتر و زوج‌های سیاه‌پوست آمریکایی نیز کناره‌گیری بیشتری نسبت به زوج‌های آمریکای سفیدپوست گزارش کردند. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد زنان در طول ازدواج با استفاده از رفتارهای مخرب و کناره‌گیری کمتر در طول زمان سازگاری بیشتری در روابط زناشویی نشان می‌دهند،

مسمان^۱ و فلاک^۲ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان "تعارض زناشویی: علل و فراوانی" اینگونه استدلال می‌کنند که رضایت و ثبات پیوند زناشویی ارتباط مستقیمی با عدم تعارض ندارد، بلکه با نحوه در پیش گرفتن استراتژی‌های همسران برای حل تعارضها ارتباط دارد. نگارنده‌گان این مقاله با در نظر گرفتن تعارض زناشویی به عنوان بعد ذاتی روابط زناشویی، به شناسایی دلایل تعارض زناشویی و دفعات بروز آن در روابط زناشویی پرداختند. این پژوهش یک مطالعه کمی با طرح توصیفی در بین ۱۴۹ زوج طبقه متوسط که در پایتخت و حومه ریو گراند دو سول زندگی می‌کردند، انجام شده و ابزار مورد استفاده، بررسی داده‌های جمعیتی- اجتماعی و مقیاس تعارضات زناشویی بوده است. نتایج این نشان داده که بیشترین دلایل درگیری‌های زناشویی عبارتند از: فرزندان، طول زمانی که زوجین با هم می‌گذرانند، پول، کارهای خانه و در نهایت، جنسیت و مسائل حقوقی. علاوه بر این نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۷۵٫۸ درصد از زوجین خشونت کلامی را گزارش کرده‌اند و ۷٫۳ درصد خشونت فیزیکی یا پرتاب کردن اشیاء را گزارش کرده‌اند.

تولرانلک^۳ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان "علل اختلافات زناشویی در بین زوجها در نیجریه: دلالت‌هایی برای روانشناسان مشاوره" با تاکید بر رویکرد پیمایشی و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند در جامعه روستایی و شهری به بررسی علل اختلافات زناشویی در نیجریه پرداخته است. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که تفاوت معناداری در علل اختلاف زناشویی بر اساس سطح تحصیلات و طول مدت ازدواج وجود ندارد. در این تحقیق به عنوان نتیجه از اجتناب‌ناپذیری اختلاف در اشکال گوناگون ازدواج صحبت شده است. کنترل و

^۱ : mosmann

^۲ : falcke

^۳ : Tolorunleke

مدیریت اختلافها عمدتاً وابسته به فهم متقابل زوجها است. بر اساس این نتیجه‌گیری در این پژوهش توصیه شده است که مشاوره‌های پیشگیرانه و بازتوانی و درمانی در دستور کار قرار گیرد.

دلالتوره^۱ و واگنر^۲ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان "مدیریت تعارضات زناشویی زنان و مردان متاهل" به بررسی استراتژی‌های حل تعارض سازنده و مخرب که توسط زنان و مردان متاهل استفاده می‌شود و همچنین ارتباط این استراتژی‌ها با متغیرهای جامعه‌شناختی و ارتباطی پرداختند. شرکت‌کنندگان در این تحقیق ۷۵۰ زوج بودند که در ریو گراند دو سول برزیل زندگی می‌کردند و به پرسشنامه رفتار حل اختلاف و سوالات جامعه‌شناختی - جمعیتی و ویژگی‌های رابطه پاسخ دادند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که استراتژی حل تعارض "سازش" بیشتر توسط مردان در مقایسه با زنان مورد استفاده قرار می‌گرفت و زنان در مقایسه با مردان بیشتر از استراتژی "حمله" استفاده می‌کردند. علاوه بر این در هر جنس، دینداری با استراتژی‌های سازنده در ارتباط بود، در حالی که داشتن فرزند با استراتژی‌های مخرب همراه بوده است.

دایلون^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان "منابع تعارض زناشویی در ۵ فرهنگ" با تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده قبلی، چهار موضوع مربوط به سازگاری زوجین را برای نقش احتمالی این عوامل در تعارضات زناشویی بررسی کردند. این موارد جنسیت، امور مالی، تقسیم کار و تربیت فرزندان بودند. در این تحقیق بیش از ۲۰۰۰ زوج در پنج فرهنگ متنوع مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که هر چهار موضوع تقریباً در همه موارد به طور قابل توجهی به مشکلات زناشویی مربوط می‌شدند. علاوه بر این نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در همه فرهنگ‌ها، زنان مشکلات بیشتری نسبت به شوهران گزارش کرده‌اند. نتایج این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که یک عامل اصلی در موفقیت یا عدم موفقیت زناشویی، مهربانی است که برای حفظ رابطه طولانی و صمیمی همکاری برای پرورش فرزندان لازم است.

^۱: Delatorre

^۲: Wagner

^۳: Dillon

پاپ^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان "مباحث تعارضهای زناشویی در زندگی روزمره زوج‌هایی با آشیانه خالی و کاربستهایی برای حل اختلافات" به بررسی خاطرات تعارضهای زناشویی از ۵۵ زوج که والدین کودکان بالغی بودند که خانه را ترک کرده بودند، پرداختند. در این تحقیق برقراری ارتباط، کارها و عادت‌ها بیشترین اختلاف‌نظرها بودند که توسط زن و شوهر گزارش شده بود. علاوه بر این زوجین تعارضهای مربوط به پول و فرزندان ملاکهای مهمی برای ارزیابی رابطه مطرح کرده‌اند. در مقایسه با سایر موضوعات، زوجین تعارضهای مربوط به عادات و ارتباطات را به عنوان عامل عصبانیت و تعارضهای زناشویی مربوط به خویشاوندان و تعهد زناشویی و موضوعات مرتبط با کودکان را عامل افسردگی در نظر می‌گیرند.

اگبولا^۲ و اولواتسن^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "الگوها و علل تعارض زناشویی در بین کارمندان منتخب دانشگاه‌ها در جنوب نیجریه" به بررسی الگوهای و دلایل درگیری زناشویی بین کارکنان دانشگاه‌های جنوب-غربی نیجریه پرداخته‌اند. این مطالعه از نوع توصیفی-پیمایشی بوده است. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۳۳۰ نفر از کارمندان متاهل بوده که به طور متناسب از نه دانشگاه با استفاده از روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه تعامل زناشویی (PPMIQ) و دلایل تعارض زناشویی (CMCQ) استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۶۷,۱٪ از کارکنان اظهار داشتند که آنها الگوی تقاضا برداشت (الگوی تقاضا-برداشت الگویی از تعارض است که در آن یکی از همسران فشار می‌آورد یا سرزنش می‌کند در حالی که دیگری از طفره می‌رود یا کنار می‌کشید). را تجربه کرده‌اند، در حالی که ۲۶,۸٪ الگوی سازنده (تعارض زناشویی زمانی سازنده است که زوجین با نشان دادن رفتارهایی مانند محبت کلامی و جسمی، حل مسئله و حمایت، تعارضات را به شیوه‌های مثبت حل و فصل کنند) را تجربه کرده‌اند و فقط ۶,۱٪ الگوی مخرب را تجربه کردند. همچنین نتایج نشان داده است که رسیدگی نامناسب به امور مالی خانواده به عنوان برجسته‌ترین و بالاترین ارزش قدرت نسبی ۰,۸۰۶ و بعد از آن شکاف ارتباطی و زمان اختصاص داده شده به کودکان با ارزش‌های بسیار بالای به ترتیب ۰,۸۰۴ و ۰,۷۹۳ بالاترین ارزش قدرت

^۱ : Papp

^۲ : Agboola

^۳ : Oluwatosin

نسبی به دست آمده است. کمترین علت درگیری زناشویی اختلاف در سطح درآمد با کمترین مقدار ۰,۶۸۱ ارزش قدرت نسبی بود.

واگنر^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان "تعارض، حل تعارض و کیفیت زناشویی" به بررسی قدرت پیش‌بینی‌کننده انگیزه و سبک حل تعارض بر روی کیفیت زندگی در بین نمونه‌ای از جنوب برزیل پرداختند. نمونه این تحقیق ۷۵۰ زن و ۷۵۰ مرد در میانگین سنی ۴۰ سال بودند. کیفیت زناشویی در این تحقیق با چگونگی حل تعارض و دلایلی که زوجها با هم مشاجره می‌کنند در ارتباط بود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از استراتژی‌های سازنده حل و فصل تعارض که شامل راه‌های سازنده برای حل اختلافات است که در آنها افراد قادر به مذاکره و سازش بر سر راه‌حل‌هایی هستند که به نفع هر دو طرف است، پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی زناشویی، انگیزه‌های مربوط به مسائل مالی، کارهای خانگی و زمان سپری شده در کنار هم بود.

تاسو^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان "تعارض زناشویی بین زوجین: مطالعه موردی شهر دوربت، منطقه آمه‌را، اتیوپی" به بررسی شیوع، علل، پیامدها و راهکارهای مقابله با تعارضهای زناشویی در شهر دوربت پرداخته‌اند. در این مطالعه ۳۸۶ (۱۹۳ مرد و ۱۹۳ زن) به عنوان پاسخگوی نظرسنجی از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و متناسب انتخاب شدند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تعارض زناشویی در شهر دوربت بسیار شایع است و سال به سال روند افزایشی را نشان می‌دهد. علل عمده تعارضهای زناشویی شامل مسائل روانی، جنسیتی، جنسی، فرهنگی اجتماعی، اقتصادی بود. پنج پیامد اصلی تعارض زناشویی نیز شامل استرس، احساس افسردگی، نگرانی از قضاوت دیگران، احساس ناامیدی و تضاد مکرر هستند. استراتژی‌های مقابله با تعارض نیز اغلب رقابت، همکاری، سازش، اجتناب و مداخله شخص ثالث بود.

^۱ :Wagner

^۲ : Tasew

۲-۱-۳ جمع بندی

همانگونه که از تحقیقات فوق الذکر مشخص است در بخش بررسی پیشینه تجربی سعی شده بر مطالعات جامعه‌شناسانه تمرکز شود ولی نمی‌توان این امر را کتمان کرد که حجم تحقیقات صورت گرفته در زمینه تعارض زناشویی با رویکرد جامعه‌شناسانه بسیار کمتر از تحقیقات هدایت شده در با رویکرد روانشناسانه و مشاوره است. جستجو در مجلات و پایگاه‌های نمایه کننده مجلات عملی تایید کننده گزاره فوق الذکر است. از نظر محتوایی نیز تحقیقات فوق الذکر عوامل مختلفی از جمله مسائل مالی، جنسی، تربیت فرزندان، طول مدت ازدواج، مسائل حقوقی، وضعیت دینداری، خشونت کلامی و فیزیکی را به عنوان عوامل مرتبط با بروز تعارض بین زوجین در نظر گرفته‌اند. با این حال در تحقیقات صورت گرفته با رویکرد جامعه‌شناسانه از رویکردها و نظریه‌های مختلفی مانند رویکرد کارکردگرایی و کنش متقابل نمادین و نظریه‌های تضاد و همسان همسری بهره گرفته است ولی هیچ کدام از تحقیقات فوق الذکر از نظرگاه تغییرات ارزشی در جامعه مسئله تعارض زناشویی را مورد بررسی قرار نداده‌اند که در این پژوهش سعی بر آن است که از این نظرگاه به تعارض زناشویی در ایران پرداخته شود. از جنبه روشی هم می‌توان اینگونه بیان کرد که در این تحقیقات هم کار کیفی وجود دارد و هم مطالعه کمی که البته نمونه و دامنه تحقیقات کمی در نهایت در سطح استان صورت گرفته و تحقیقی با دامنه گسترده و در سطح کلان در بین پژوهشهای صورت گرفته یافت نمی‌شود. با این تفاسیر تحقیق حاضر اولین کاری است که با استفاده از داده‌های ثانویه مسئله عوامل مرتبط با بروز تعارض بین زوجین و شیوه‌های حل تعارض را در سطح ملی در ایران مورد بررسی قرار داده است.

۲-۲ مبانی نظری

در مطالعات مرتبط با بررسی تعارض زناشویی در حوزه جامعه‌شناسی خانواده از نظریه‌های مختلفی برای تبیین مسئله تحقیق استفاده شده است که در ادامه به شرح این نظریات پرداخته شده و همانگونه که ذکر آن رفت بر اساس رویکرد تغییرات ارزشی در جامعه سعی شده که نظریه مرتبط با رویکرد تحقیق انتخاب و و چارچوب نظری تحقیق بر مبنای دلالت‌های آن تنظیم گردد.

۲-۲-۱ نظریه همسان همسری^۱

طرفداران نظریه همسان همسری بر این باورند که افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۰). همسان همسری سازوکاری است که به حفظ وضع موجود کمک می‌کند و ارزشها و عقاید سنتی را حفظ می‌کند. از آنجا که خود ازدواج که نهاد حیاتی است، بنابراین فهم اینکه چرا بسیاری از ویژگیهای اجتماعی مانند نژاد، دین و طبقه که به طور کلی متغیرهای مهمی در جامعه محسوب می‌شوند در انتخاب همسر نیز مهم هستند، دشوار نیست (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۱). این نظریه استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو نفر، نه تنها آنها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند وصلت ایشان را استوار می‌کند. به عبارت دیگر، بر اساس این نظریه، ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل^۲ افراد مایل‌اند همسری برگزینند که بیشتر همسانشان باشد تا ناهمسانشان و چنانچه این قاعده به دلایلی رعایت

^۱: Homogamy Theory

^۲: K.Hill

نگردد احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. باورمن می‌گوید انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد در تمامی سنین در میدانی فراختر از آنکه تصادف بتواند بر آن کارگر باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشد. به گمان لاگ و برگس^۱ بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه‌ها عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. در همین راستا برخی معتقدند هر قدر همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش ایشان بیشتر است. برخی دیگر بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکمتر باشد خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است. به طور کلی، هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۰).

۲-۲-۲ ناهمسان همسری

مشهورترین نظریه ناهمسان همسری، نظریه «نیازهای مکمل» رابرت. اف. وینچ (۱۹۵۵) است. فرضیه اصلی این است که در مورد همسرگزینی الگوی احتیاجات هر همسر، متمم و مکمل الگوی احتیاجات همسر دیگر است و نه مشابه آن. نظریه نیازهای مکمل که بر این فرض استوار است در برابر نظریه همسان همسری قرار می‌گیرد که علاوه بر وینچ، «کتسان» نیز از طرفداران عمده این نظریه است و در مجموع آنها معتقدند این نه شباهت و همسانی، بلکه بی‌شباهتی و ناهمسانی و به ویژه صفات تکمیل‌کننده است که افراد را به وصلت با یکدیگر وامی‌دارد (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۴۲).

وینچ بیان می‌کند که افراد از بین حوزه واجدان شرایط، فردی را به عنوان همسر خود انتخاب می‌کنند که ویژگی‌های روان‌شناختی مکمل خود را دارا باشند. به عبارت دیگر فرد همسری انتخاب می‌کند که از طریق او حداکثر رضایت را در رفع نیازهای خویش کسب کند. بر اساس این نظریه، ناهمسانی دو فرد از لحاظ قابلیت‌های ذهنی از یک سو میان آنان پیوند ایجاد می‌کند و از سوی دیگر کمکی برای ارضای زندگی زناشویی آنها است. بر مبنای این نظریه اگر یکی از دو نفر در فرایند ازدواج دارای منشی چیره‌گر باشد و دیگری دارای منشی چیره‌پذیر، آنها خواهند توانست با یکدیگر وصلت کنند و ازدواج می‌تواند برایشان

^۱: Lock & Burgess

خرسندکننده باشد. حال آنکه اگر هر دوی ایشان از منشی یگانه برخوردار باشند (هر دو سلطه‌جو و یا هر دو سلطه‌پذیر باشند) گمان نمی‌رود که به سوی یکدیگر گرایند، در چنین وضعی وصلت آنان قرین ناکامی خواهد شد. پس هریک از همسران برای آنکه نیکبخت و سازگار باشد، باید به نوبه خود در حل مسائل زندگی به نوعی در تبادل و تکمیل متقابل اهتمام ورزد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

۲-۲-۳ نظریه شبکه

نظریه شبکه با اسم الیزابت بات^۱ پیوند خورده است. اساس این نظریه بر پایه درجه پیوند و تفکیک نقشها با تراکم شبکه‌هایی است که همسران در بیرون از خانه دارند. بر این اساس هر چه پیوند همسران با شبکه‌های بستگان، دوستان و همسایگان نزدیکتر باشد و این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، رابطه آنها به عنوان یک زوج، جداگانه و سلسله مراتبی است. عکس قضیه نیز صادق است: هرچقدر شبکه‌ها از تراکم کمتری برخوردار باشند، نقش‌های زن و مرد کمتر از هم جدا و تفکیک می‌شوند. بات این قضیه را از نظر فشار فرهنگی توضیح می‌دهد. به نظر او هنگامی که افرادی که یک فرد می‌شناسد تعامل شدیدی با یکدیگر دارند - وقتی شبکه متراکم است - اعضای شبکه تمایل دارند که در مورد هنجارها به اتفاق نظر برسند و برای مطابقت این هنجارها، فشار اجتماعی غیر رسمی ایجاد می‌کنند. در واقع آنها ارتباطات زیادی با یکدیگر دارند و به کمک متقابل می‌پردازند (سگالن، ۲۰۰۲: ۲۲۳-۲۲۴).

اگر زن و شوهر هر دو به شبکه‌هایی از این دست تعلق داشته باشند و شبکه‌ها حفظ شوند ازدواج به سادگی بر روابط موجود سوار می‌شود، در حالی که همسران هنوز به سمت فعالیت‌های بیرون و افراد متمایل هستند. تفکیک سفت و سخت نقش‌ها امکان‌پذیر خواهد بود، زیرا هر دو همسر می‌توانند از خارج حمایت بگیرند. از طرف دیگر، اگر بیشتر افرادی که فرد می‌شناسد، با یکدیگر آشنا نباشند و شبکه ارتباطی چندان محکم نباشد، احتمالاً هنجارهای چنین شبکه‌ای تا حدود زیادی متفاوت خواهند بود و اجماع اجتماعی و کمک متقابل با شدت کمتری وجود خواهد داشت. اگر شبکه‌های ارتباطی پس از ازدواج سست بمانند، زن و شوهر وظایف خانگی را با هم انجام می‌دهند و نقش آنها کمتر از هم جدا و برابرتر خواهد بود (همان، ۲۲۴).

^۱: Elizabeth Bott

بر این اساس قانون بات درصدد تبیین روابط ساختاری بین گروه داخلی و نقش‌های همسر و نحوه تغییر آنهاست. بر اساس این نظریه، در جوامع دهقانی شبکه اقوام متراکم است و بنابراین نقشها به وضوح از هم جدا و متفاوت هستند (همان، ۲۲۴).

۲-۲-۴ نظریه تضاد

نظریه تضاد ارزشی رویکرد دیگری است که برای تبیین مسئله بروز تعارض بین زوجین می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس این رویکرد علل ریشه‌ای مسائل اجتماعی، تضاد ارزشها یا منافع است. گروه‌های مختلف چون منافع متفاوتی دارند، رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند و به مجرد اینکه این رویارویی خود را به شکل تضاد متبلور سازد، مسئله اجتماعی متولد می‌شود (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۸: ۶۶). شرایط زمینه‌ساز موثر بر ظهور، تواتر و دوام مسائل اجتماعی در رویکرد تضاد ارزشها عبارت است از رقابت و برخورد بین گروه‌ها. به عبارتی وقتی دو یا چند گروه با هم رقابت می‌کنند و انواع خاصی از برخورد داشته باشند، بروز تضاد اجتناب‌ناپذیر است. تضادها گاهی به فدا کردن ارزشهای مهمتر به پای ارزشهای کم‌اهمیت‌تر، می‌انجامد. تضادها اغلب به ناکامی یا باخت طرف ضعیفتر ختم می‌شوند. علاوه بر این تضادها سبب ایجاد خاطره بد در گروه‌ها و افراد می‌شوند. این رویکرد برای حل تضاد ارزشها سه راه متفاوت را پیشنهاد می‌کند که عبارتند از توافق، معامله، زور. اگر طرفین بتوانند به خاطر مجموعه‌ای از ارزشهای والاتری که هر دو به آن پایبندند، مصالحه کنند، توافق حاصل شده است. اگر طرفین بتوانند چانه‌زنی کنند، معامله ارزشی به صورتی آزادانه انجام می‌شود و چنانچه نه معامله‌ای کارساز باشد و نه توافقی انجام شود، در این صورت گروهی که قدرت بیشتری داشته باشد، مسلط می‌شود. درواقع تضاد ارزشها، متواتراً گروه‌ها را به دو قطب مخالف می‌کشاند و به شفافیت ارزشهای آنها می‌انجامد و راه‌حلی به شکل اعمال زور، چانه‌زنی یا حصول توافق ظاهر می‌شوند (همان، ۷۷-۶۷).

فولر و مایرز دو صاحب‌نظر اصلی رویکرد تضاد ارزشی، سه نوع مسئله اجتماعی را عنوان کرده‌اند: فیزیکی، اصلاحی و اخلاقی. تمایز این سه نوع مسئله بر این اساس است که آیا مردم بر سر ناخوشایندی شرایط

مربوطه و اینکه در مورد آن چه اقدامی باید انجام داد موافقت دارند یا خیر. در مورد مسائل فیزیکی (مثل گردباد یا طوفان دریایی)، توافق وجود دارد که شرایط مربوطه ناخوشایند است و هیچ کاری در مورد علل آن نمی‌توان انجام داد (البته ممکن است افراد بر سر چگونگی برخورد با پیامدهای واقعه توافق نداشته باشند). درباره مسائل اصلاحی (مثل جرم یا فقر) این توافق وجود دارد که شرایط ناخوشایند است و می‌توان آن را اصلاح کرد، اما در مورد نوع اقدام موافقتی وجود ندارد. در مورد مسائل اخلاقی (مانند سقط جنین یا قماربازی)، نه درباره ناخوشایند بودن شرایط توافقی بین افراد وجود دارد و نه درباره اینکه چه اقدامی باید صورت گیرد. همراه با تغییراتی که در جامعه روی می‌دهد، مسائل هم از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کنند. با وجود این، فولر و مایرز مدعی‌اند که محور همه مسائل اجتماعی تضادهای موجود در چارچوب کلی ارزشی فرهنگ است (همان، ۶۸). آنها همچنین بر این نظرند که همه‌ی مسائل اجتماعی مراحل سه‌گانه آگاهی، سیاستگذاری و اصلاح را طی می‌کنند. در مرحله نخست، گروه‌ها کم‌کم متوجه وضعیت خاصی می‌شوند که تهدیدی برای ارزشهای مهم تلقی می‌شود. در مرحله دوم افراد جبهه می‌گیرند، ارزشها را مجدداً تعریف می‌کنند و طرح‌هایی برای اقدام ارائه می‌دهند، در مرحله سوم، یک یا چند گروه در دفاع از ارزشهای خود دست به اقدام می‌زنند (همان، ۷۶). با توجه به مطالب فوق و بر اساس مفروضات نظریه تضاد ارزشها می‌توان اینگونه استدلال کرد که بروز تعارض بین زوجین در نتیجه تضاد ارزشی بین آنهاست و زمانی امکان بروز و ظهور بیشتری دارد که زوجین نتوانند از طریق دو مکانیسم معامله و توافق آنها را حل کنند و در نتیجه به راهکار سوم یعنی زور دست می‌یازند. علاوه بر این می‌توان این امر را نیز استنباط کرد که مسائلی که بین زوجین سبب بروز تعارض می‌شود جزو مسائل اخلاقی است که نه درباره ناخوشایند بودن شرایط توافقی بین زوجین وجود دارد و نه درباره اینکه چه اقدامی باید صورت گیرد.

۲-۲-۵ نظریه نابرابری جنسی

نظریه نابرابری جنسی دارای چهار مضمون اصلی می‌باشد. نخست آنکه، زنان و مردان نه تنها موقعیتهای متفاوتی دارند، بلکه در موقعیتهای نابرابری نیز قرار گرفته‌اند. بر اساس این نظریه زنان در مقایسه با مردانی

که در همان جایگاه اجتماعی زنان جای دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصتهای تحقق خویشتن کمتری برخوردارند - این جایگاه اجتماعی می‌تواند بر طبقه، نژاد شغل، قومیت، دین، آموزش و ملیت و یا بر هر عامل مهم اجتماعی دیگری مبتنی باشد. دوم آنکه این نابرابری از سازمان جامعه نشات می‌گیرد و از هیچ‌گونه تفاوت زیست‌شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی‌شود. سومین مضمون نظریه نابرابری این است که هر چند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگیهایشان با یکدیگر تا اندازه‌ای تفاوت داشته باشند، اما هیچ‌گونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد. درواقع همه انسانها با یک نیاز عمیق به آزادی برای تحقق خویشتن و نوعی انعطاف‌پذیری مشخص می‌شوند که باعث می‌شود خودشان را با الزامها و فرصتهای موقعیتهای زندگی‌شان تطبیق دهند (ریترز، ۱۳۸۲: ۴۷۳).

بر اساس این نظریه نابرابری جنسی برای این وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان از قدرت کمتری برای برآوردن نیاز به تحقق خویشتن برخوردارند، در حالی که هر دو در این نیاز سهیمند. چهارم اینکه، همه‌ی نظریه‌های نابرابری فرض را بر این می‌گیرند که هم مردان و هم زنان می‌توانند در برابر ساختارها و موقعیتهای اجتماعی برابانه‌تر، واکنشی آسان و طبیعی از خود نشان دهند (همان: ۴۷۴). بر اساس نظریه نابرابری جنسی از آنجا که منابع گرانبها کمیاب هستند و دسترسی به آنها نابرابر است، بین آنها که به منابع دسترسی دارند و آنها که ندارند، کشمکش و تضاد پیش می‌آید. این منابع می‌توانند منافع مادی، قدرت یا منزلت اجتماعی باشند. از جمله نظریه‌پردازان رویکرد نابرابری جنسی می‌توان به متفکرانی مانند رندل کالینز، بلومبرگ و جانت چافتز اشاره کرد.

کالینز برای پاسخ دادن به این که چرا تضاد و خشونت در ازدواج‌های امروز روی می‌دهد، چهار تبیین اصلی جامعه شناختی عنوان می‌کند که عبارتند از: حق مالکیت جنسی، فشارهای اقتصادی، انتقال بین نسلی تعارضات، کنترل اجتماعی.

حق مالکیت جنسی: نگرش سنتی پدرسالاری مبتنی بر این ایده است که زنان ازدواج کرده از لحاظ اقتصادی، جنسی و احساسی بخشی از دارایی شوهرانشان به شمار می‌روند.

فشارهای اقتصادی: به نظر کالینز میزان تعارضات خانواده در هنگام فشار اقتصادی افزایش پیدا می‌کند، به ویژه در میان طبقات پایین جامعه این عامل نقشی عمده ایفا می‌کند. چنین خانواده‌های درک محدودی از نقشهای جنسیتی دارند و چنین می‌پندارند که شوهر به عنوان تامین‌کننده اقتصادی و رئیس خانواده است. انتقال بین نسلی تعارضات: شواهدی وجود دارد مبنی بر این که تعارضات خانواده بویژه خشونت علیه زنان از نسلهای قبلی به نسل بعد منتقل می‌شود.

کنترل اجتماعی: به نظر کالینز ازدواج امری است که طی فرآیند معامله و مذاکره حتی در سطح نمادی و احساسی به وجود می‌آید. به نظر وی زمانی که یک جنس وسایل اعمال زور را کنترل می‌کند این جنس توان بهره‌گیری از این قدرت را برای تسلط بر جنس مقابل دارد و از این طریق می‌تواند یک نظام جنسیتی نابرابر ایجاد کند. تمام خانواده‌ها در شرایطی دچار تعارض می‌شوند. این تعارضات گاهی اوقات ممکن است منجر به خشونت شود (عنایت و همکاران، ۱۳۹۰: ۶).

برخلاف کالینز، نظریه بلومبرگ بیشتر بر مدار نظریه مارکس است. او معتقد است قشر بندی جنسیتی به کنترل قدرت اقتصادی بستگی دارد؛ هر چه زنان قدرت اقتصادی کمتری را بسیج کنند، احتمال سرکوب از نظر اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک بیشتر است. او نشان داد که چگونه مشارکت در تولید اقتصادی، کنترل بر زندگی زنان را بیشتر می‌کند. این کنترل هم در مورد باروری، ازدواج، طلاق و اقتدار خانگی بیشتر است و هم در امکان استفاده از فرصتهای مختلف زندگی (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۷).

سومین متفکری که در باب نابرابری جنسیتی، نظریه‌پردازی کرده، جانت چافتز است. او معتقد است که نظریه‌های حفظ و بازتولید نظام جنسیتی با یکدیگر ارتباط دارند. او دو نوع نیرو را عامل حفظ نابرابری جنسیتی می‌داند: نیروهای قهری و سرکوب‌کننده و نیروهایی که نتیجه فعالیت‌های اختیاری افراد می‌باشند. پایه‌های اختیاری نابرابری جنسیتی چون تقسیم اقتصادی کار، توزیع اشتغال و موقعیتهای برگزیده و نیز تعاریف فرهنگی جامعه، نوعی تبعیض جنسی را ایجاد می‌کند. این تبعیض در کار و فعالیت اعمال شده و در ضمن، عامل جامعه‌پذیری

برای نسل بعدی می‌شود و بدینسان تفاوت‌های جنسیتی در سطح خرد میان زن و مرد بازتولید می‌گردد. شناخت نیروهای حفظ‌کننده امکان تشخیص اینکه تغییرات مطلوب چگونه باید باشد را فراهم می‌کند. شرایطی که سبب تغییر قشر بندی می‌شود عبارتند از دو فرآیند: تغییر غیر ارادی (تغییرات جمعیتی، تکنولوژیک و ساختار اقتصادی) که در کشورهای پیشرفته اقتصادی منجر به افزایش فرصت شغلی برای زنان و در کشورهای عقب‌مانده اقتصادی منجر به کاهش فرصتهای شغلی برای زنان می‌شود. تغییر ارادی که ناشی از تلاش نخبگان به منظور تغییرات در نابرابریهای جنسیتی است. (همان: ۵۸).

۲-۲-۶ نظریه اختلال هنجاری چلبی

بر اساس نظریه چلبی، در جامعه چهار نوع اختلال اجتماعی شامل اختلال هنجاری، اختلال نمادی، اختلال رابطه‌ای و اختلال توزیعی قابل تفکیک است. چلبی بر این نظر است که اختلال هنجاری که یکی از انواع عمده اختلال اجتماعی است، می‌تواند پنج شکل مختلف به خود بگیرد که قطبی شدن هنجاری یکی از این اشکال است. اگر در یک وضعیت متعارف برای انجام امور خاصی مثل نحوه لباس پوشیدن، هنجار یا مجموعه هنجارهای مرتبط به هم وجود داشته باشد، به طوری که توزیع جمعیت بر حسب میزان فشار هنجاری یا میزان تسلط اجتماعی و تعهد نسبت به آنها تقریباً نرمال باشد، امکان قطبی شدن هنجاری وجود ندارد. اما اگر مثلاً در مورد لباس پوشیدن تابع توزیع جمعیت بر حسب میزان فشار هنجاری دوکوهانه باشد، این وضعیت را قطبی شدن هنجاری می‌نامند. برخلاف وضعیت متعارف که در آن اکثریت جمعیت، متوسط فشار هنجاری را حس می‌کنند در وضعیت قطبی شدن هنجاری، اقلیت جامعه متوسط فشار هنجاری را حس می‌کنند. در این وضعیت دو مجموعه اکثریت وجود دارد که یکی دارای احساس تعهدی بیش از حد متوسط فشار هنجاری است و دیگری دارای احساس تعهدی کمتر از حد متوسط فشار هنجاری است. شکل دیگر اختلال هنجاری، قطبی شدن هنجاری است که می‌تواند زمینه‌ساز تضاد هنجاری و تضاد ارزشی باشد و متقابلاً تضاد ارزشی نیز می‌تواند شرایط را برای قطبی شدن و تضاد هنجاری فراهم کند. در وضعیت تضاد

هنجاری، برای برخی از امور اجتماعی، دو هنجار یا دو مجموعه هنجار متضاد وجود دارد. مثلاً در مورد پوشش زن در جامعه، اگر یک هنجار بگوید: "باید چادر پوشید" و در مقابل هنجار دیگر بگوید: "نباید چادر پوشید"، با یک نمونه بارز تضاد هنجارها مواجهیم. در وضعیت تضاد هنجاری اعضای جامعه به صورت قطبی به دو گروه تقسیم شده و هر گروه در فضای هنجاری متفاوت سیر می‌کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۸).

ناپایداری هنجاری شکلی دیگر از اختلال هنجاری است که بیان‌کننده تناقض منطقی بین دو یا چند هنجار در یک نظام هنجاری است. به طور مثال هنجار یاری می‌گوید که "هرگز درخواست کمک کسی را رد نکن"، در ضمن هنجار صداقت می‌گوید که "باید نسبت به همه صادق باشی" و هنجار سومی نیز می‌گوید که "نباید به غریبه اطمینان کرد"؛ این سه هنجار تا حدودی با هم تناقض دارند و به بیانی پایداری هنجاری بین آنها ضعیف است. نوعی دیگر از اختلال هنجاری، ضعف هنجاری است که مقصود از آن، نقصان علقه اجتماعی و تعهد نسبت به هنجار در میان اکثریت افراد جامعه است. به عبارت دیگر هنجار مورد نظر برای اکثریت جامعه به دلایلی دارای فشار کم است. بی‌هنجاری نیز که آخرین شکل اختلال هنجاری است، مربوط به وضعیتی می‌شود که انجام امور، فارغ از هر گونه هنجاری صورت پذیرد (همان، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۸). در رابطه با تعارض بین زوجین بر اساس نظریه فوق می‌توان اینگونه استدلال کرد که وقتی دو فرد از دو خانواده متفاوت و از دو فضای فرهنگی متفاوت، با ازدواج در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و تشکیل خانواده‌های جدید می‌دهند، احتمال وجود اختلال هنجاری در خانواده نیز افزایش می‌یابد. به عبارتی افراد با هنجارهای متفاوت با یکدیگر ناسازگار هستند و امکان تنش و تعارض بین آنها بیشتر است.

۲-۲-۷ نظریه گذار دوم جمعیتی

نظریه گذار جمعیتی دوم عموماً نظریه‌ای است که برای تبیین باروری پایین یا به تعبیر دیگر باروری زیر جانشینی و تداوم آن در جوامع پیشرفته اواخر مدرن به کار رفته می‌رود ولی در قالب کلی آن این نظریه، تغییرات اساسی در سطح جامعه در چند دهه آخر قرن بیستم علی‌الخصوص تغییرات فرهنگی و ارزشی،

تغییرات اساسی متناظر با آن در سطح خانواده به ویژه افزایش طلاق و رواج زوج زیستی و تنوع در اشکال فرزندآوری به ویژه افزایش ولادت‌های خارج از ازدواج شرایطی را در جوامع مدرن مورد بحث قرار داده است (سرای، ۱۳۸۷). به نظر لسته‌هاک نشانه‌های گذار جمعیتی دوم در حدود سال‌های ۱۹۵۰ پدیدار گردید. در این سال‌ها کم‌کم نرخ طلاق رو به افزایش گذاشت و در اواخر دهه ۱۹۶۰ سن ازدواج نیز شروع به افزایش کرده و باروری نیز به زیر سطح جایگزین کاهش پیدا می‌کند و در ادامه سایر پدیده‌هایی چون زوج زیستی نیز پدیدار شد (لسته‌هاک، ۲۰۱۰).

بر اساس این نظریه همزمان با انقلاب اساسی در تکنولوژی در چند دهه آخر قرن بیستم، ساختارهای جوامع پیشرفته هم دچار تحول اساسی شد. ساختار اقتصادی این جوامع از ساختاری مبتنی بر صنعت به ساختاری مبتنی بر خدمات متحول گردید. به موازات این تغییر، نظام هنجاری جامعه هم دچار تغییر شد و نفوذ نهادهای سنتی در افراد به تدریج کاهش یافت. از حدود نیمه ۱۹۶۰ به بعد پیوند فرد و جامعه در جوامع پیشرفته سست شد و این تحولات باعث گسترش استقلال فردی، افزایش تسامح و تساهل، انعطاف‌پذیری در مسیر زندگی و به هم خوردن تقسیم کار جنسیتی گردید (سرای، ۱۳۸۷).

با محدودیت حضور جامعه در زندگی فردی و گسترش بی‌سابقه فردیت و اختیارات فردی، نظام ارزشی جامعه هم متحول گردید. همزمان با تحولاتی که در سطح جامعه در اواخر قرن بیستم در کشورهای اروپای غربی و شمالی و مناطق انگلیسی زبان خارج از اروپا اتفاق افتاد تغییرات مهمتری در روابط جنسی، ازدواج و خانواده در این کشورها روی داده است. گذار جمعیتی اول و دوم نه تنها مبتنی بر دو مدل مختلف جامعه، بلکه مبتنی بر دو مدل مختلف خانواده‌اند، "مدل خانواده بورژوا که در پس اولین گذار قرار داشت ظاهراً جایش را در گذار جمعیتی دوم به مدل خانواده فردگرایانه داده است. در واقع در حالی که در طول گذار اول خانواده به عنوان نهادی نیرومند ظاهر شد، تضعیف خانواده نماد گذار جمعیتی دوم تلقی می‌شود" (ون دوکا، ۲۰۰۲).

ون دکا نتایج گذار جمعیتی دوم را که بر مبنای مشاهدات یک دوره ۳۰ ساله ۱۹۹۵ - ۱۹۶۵ می باشد را به شرح ذیل ارائه می دهد:

- ۱- کاهش میزان باروری کلی که ناشی از کاهش باروری در سنین بالاتر می باشد.
- ۲- اجتناب از ازدواج اجباری و حاملگی های قبل از ازدواج.
- ۳- افزایش میانگین سن در اولین ازدواج.
- ۴- فرزندآوری در داخل ازدواج به تاخیر افتاده و همچنین باروری در میان زنان جوان کاهش یافته و فاصله گذاری کمی که بین موالید بود افزایش یافته و نتیجه این روند منجر به کاهش میزان باروری کلی شده است.
- ۵- جدایی قانونی و طلاق افزایش پیدا کرده است.
- ۶- زوج زیستی قبل از ازدواج منجر به تعویق انداختن ازدواج شده و همین امر سن ازدواج را بالا برده است.
- ۷- زوج زیستی متداول می شود و ازدواج تا زمانی که زن حامله شود به تعویق می افتد، تولدهای قبل از ازدواج افزایش یافته است.
- ۸- وضع قوانین آزادی عقیم سازی و سقط جنین باعث شده که باروری ناخواسته کاهش یابد و همچنین منجر به کاهش باروری در سنین دوره بچه آوری می شود.
- ۹- همخانگی عمومیت بیشتری یافته و مورد حمایت قرار گرفته و اغلب بر طلاق و بیوه گی ترجیح داده می شود.
- ۱۰- زوج زیستی جایگزین ازدواج شده و در نتیجه باروری خارج از ازدواج (باروری غیر نکاحی) افزایش یافته است.
- ۱۱- میزان باروری کلی به سمت ثبات به سطح پایین تر از حد جایگزینی حرکت می کند.
- ۱۲- وقتی زنان باروری را در سنین ابتدای ازدواج به تاخیر می اندازند، میزان باروری کلی در اواخر دوره فرزندآوری به ندرت افزایش می یابد.
- ۱۳- باروری های ناخواسته کاهش یافته و همواره فرزندآوری با برنامه ریزی صورت می گیرد.

۱۴- باروری نسلی^۱ به سمت ثبات به زیر سطح جایگزینی حرکت کرده است (ون دکا، ۲۰۰۲).

در همین راستا لسته‌هاک معتقد است گذار دوم تنها مربوط به کشورهای اروپای غربی نیست بلکه وی با بیان شواهدی اشاعه و گسترش آن را به سایر جوامع نشان می‌دهد. لسته‌هاک با توجه به شواهدی از کشورهای مختلف، شیوع و گسترش گذار دوم به سایر کشورها را نشان می‌دهد. اولین پیشگامان گسترش گذار دوم اروپای شرقی و مرکزی می‌باشند که پس از ۱۹۹۰، ویژگی‌های گذار جمعیتی دوم در آنها پدیدار می‌شود. سپس سایر نقاط اروپا گذار دوم را تجربه می‌کنند و پس از این کشورهایی چون کانادا، استرالیا و ایالات متحده مقصدهای گذار دوم جمعیتی می‌باشند. علاوه بر این لسته‌هاک با ذکر شواهدی از تاخیر در سن ازدواج و فرزندآوری؛ کاهش عمومیت ازدواج؛ افزایش طلاق و هم‌خانگی در کشورهای آسیایی و همچنین نمونه‌هایی از باروری زیر سطح جایگزین در این کشورها، و ارتباط این موارد با تغییرات در جهت‌گیری‌های ارزشی در این کشورها اشاره دارد. لذا به شروع گذار در برخی از کشورهای توسعه‌یافته آسیای جنوب شرقی و شرقی اشاره می‌کند (لسته‌هاک، ۲۰۱۰).

همانگونه که ذکر شد یکی از مشخصه‌های اصلی گذار دوم جمعیتی افزایش جدایی قانونی و طلاق است و طبیعتاً پیش شرط طلاق و جدایی وجود تعارض شدید بین زن و شوهر است که سبب می‌شود آنها تصمیم به جدا شدن بگیرند. بر اساس این نظریه محدودیت حضور جامعه در زندگی فردی و گسترش بی‌سابقه فردیت و اختیارات فردی، نظام ارزشی جامعه هم را متحول کرده است و این تغییرات سبب عدم سازش زوجین با یکدیگر و افزایش تعارض آنها و نتیجتاً سبب روند افزایشی در نرخ طلاق در جامعه نیز خواهد شد.

۲-۲-۸ نظریه تحول فرهنگی

بر اساس این نظریه که برگرفته از پیمایش جهانی ارزش‌ها در جامعه پیشرفته صنعتی است که توسط رونالد اینگلهارت^۱ مطرح شده، وجه تمایز مردم جوامع مختلف در نگرشها، ارزشها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان

^۱: به میزان باروری زنان در طول یک نسل یا دوره زمانی مشخص باروری نسلی می‌گویند.

است. به بیان دیگر فرهنگ آنان با هم تفاوت دارد. اینگلهارت بر این نظر است که در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی-سیاسی فرهنگهای جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. انگیزه‌های که مردم را به کار و می‌دارد، مسائلی که سبب بروز برخورد سیاسی می‌شود و اعتقادات مذهبی مردم، نگرش آنها درباره طلاق سقط جنین و همجنس بازی و اهمیتی که به داشتن بچه و تشکیل خانواده می‌دهند- همه دگرگون شده است؛ تا بدان حد که می‌توان اظهار داشت که در تمام کشورهای پیشرفته صنعتی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱). به نظر اینگلهارت دگرگونی فرهنگی، تدریجی است و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسلهای مختلف شکل داده است؛ از این رو ارزشها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند در حالی که گرایشهای جدید تا حد زیادی در میان نسلهای جوانتر نفوذ داشته، با جانشین شدن نسلهای جوانتر به جای نسلهای بزرگتر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است (همان: ۱)

بر این اساس به نظر اینگلهارت جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگترانشان به آنها می‌آموزند بستگی ندارد بلکه جهان‌بینی آنها با تجارب کلی زندگی خودشان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسلهای گذشته متفاوت است. در طول دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم جوامع پیشرفته صنعتی با درآمد سرانه واقعی چهار یا پنج برابر بیش از هر زمان دیگر در تاریخ بسیاری از کشورها و بیست برابر بالاترین سطح قبلی خود در بعضی از کشورها به سطوح بی‌سابقه‌ای از توسعه اقتصادی دست یافته‌اند. این امر با ظهور دولت رفاه عمومی، تغییر در نظام بین‌المللی و رشد بی‌سابقه علم و تکنولوژی منجر به تغییرات تدریجی در ارزشهای اصلی و رایج درباره سیاست، کار، مذهب، خانواده و رفتار جنسی شد (همان: ۲).

به نظر اینگلهارت دگرگونی ارزشها در میان نسلها به تدریج به سیاست و هنجارهای فرهنگی جوامع پیشرفته صنعتی انتقال می‌یابد. تحول از اولویتهای ارزشی مادی به فرامادی، مسائل سیاسی جدیدی را به مرکز صحنه آورده و نیروی محرکه اصلی بسیاری از جنبش‌ها گردیده است. احزاب موجود را دچار انشعاب کرده،

^۱: Ronald Inglehart

موجب پیدایش احزاب جدید شده و معیارهایی را که مردم با آن درک ذهنی خود را از سعادت ارزشیابی می‌کنند دگرگون کرده است. از این گذشته به نظر می‌رسد خیزش فرامادی‌گری به تنهایی یک جنبه از فراگرد دگرگونی فرهنگی‌ای باشد که به گرایشهای مذهبی، نقشهای جنسیتی، هنجارهای جنسی و هنجارهای فرهنگی جوامع غرب شکل نوینی بخشیده است (همان: ۷۳). همانگونه که بیان شد خیزش فرامادی‌گری اگرچه گسترده است لیکن تنها یک جنبه از فراگرد وسیعتر دگرگونی فرهنگی است که به جهانبینی سیاسی، گرایشهای مذهبی، نقشهای مبنی بر جنسیت و هنجارهای جنسی در جامعه پیشرفته صنعتی شکل نوینی بخشیده است. این دگرگونی‌ها در ارتباط با یک نیاز مشترکند: نیاز به احساس امنیت که مذهب و هنجارهای فرهنگی مطلق، به طریق سنتی آن را تامین می‌کرده‌اند. در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم پیدایش سطوح نسبتاً بالای امنیت اجتماعی که توسط دولت رفاه عمومی فراهم آمد به کاهش احساس شایع آسیب‌پذیری کمک کرد. برای بیشتر مردم سرنوشت فرد به هیچ عنوان تحت تاثیر نیروهای غیر قابل پیش‌بینی نبود آنچنان که در جامعه کشاورزی و صنعتی اولیه بود. به نظر اینگلهارت این واقعیت به گسترش گرایشهای فرامادی منجر شده است که اهمیت کمتری به ادیان قدیمی و هنجارهای فرهنگی می‌دهد به ویژه زمانی که این هنجارها با نیاز فرد به ابراز نظر در کشمکش باشد. اینگلهارت سه دلیل را برای افول هنجارهای مذهبی اجتماعی و هنجارهای جنسی سنتی در جوامع پیشرفته صنعتی بیان می‌کند:

۱. افزایش احساس امنیت که نیاز به هنجارهای مطلق را کمرنگ می‌کند.
۲. کمتر شدن قاطعیت کارکردهای هنجارهای اجتماعی و مذهبی که ابتدا زمینه‌ای کارکردی داشته‌اند.
۳. همسانی شناختی؛ به نظر اینگلهارت مردم در پی همسانی درونی‌اند، از این رو جهان‌بینی‌شان با تجربه روزمره‌شان همسان می‌گردد و در دنیای کنونی تجربه زندگی روزانه مردم، اساساً با نوعی تجربه زندگی که آیین مسیحی-یهودی را تشکیل می‌دهد، متفاوت است و از رو مردم سعی دارند جهان‌بینی‌شان را با مقتضیات زندگی روزمره‌شان همسان کنند (همان: ۲۰۱-۲۰۴).

اینگلهارت بر این نظر است که ارزشها و احساس سعادت یا خوشبختی رابطه تنگاتنگ اما پیچیده‌ای دارند. به نظر او انسان موجودی هدفمند است و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس رضایت نمی‌کند. بنابراین آن چیزی با ارزش است که کمیاب باشد و فرد با احساس نارضایتی است که به جستجو برانگیخته می‌شود. برعکس وقتی مردم به خواسته‌ای ارزشمند می‌رسند، احساس خوشبختی و رضایت می‌کنند. لیکن این احساس سعادت ذهنی ذاتاً زودگذر است. در کوتاه مدت ممکن است آنچه فرد به دست می‌آورد موجب سرخوشی و احساس رضایت از زندگی شود اما در بلند مدت اینگونه نیست چرا که اگر اینطور بود فعالیت‌های هدفمند متوقف می‌شد. اینگلهارت اینگونه عنوان می‌کند که پس از مدتی، مردم آنچه را دارند بدیهی پنداشته، زیاده‌خواهی می‌کنند و یا اینکه وقتی به اشیاء می‌رسند، دنبال خواسته‌های دیگر می‌روند. در صورتی که خواسته‌های معینی مدتهای مدیدی ارضاء شده باشند، مردم بهای کمی به آنها داده، متوجه خواسته‌های دیگر می‌شوند. وقتی یک نسل جای خود را به نسل دیگر می‌سپارد، اولویتهای کل جامعه ممکن است تغییر یابد. لذا فراگرد دگرگونی فرهنگی با پیامدهای بلند مدت پیگرد و دستیابی به سعادت ذهنی و رضایت از زندگی ارتباط دارد. (همان: ۲۴۱). به نظر اینگلهارت از لحاظ ذهنی پیامدهای کوتاه مدت دستیابی به هدفی خاص همانند پیامدهای بلندمدت آن نیست. این واقعیت ظاهراً پیامدهای متناقضی دارد. آشناترین پیامد آن این است که به دست آوردن چیزی که در پیش‌اش هستند خوشبختی‌پایداری نمی‌آورد. در آغاز شگفت‌انگیز است، زیر در کوتاه مدت موجب خوشبختی و رضایت از زندگی می‌شود؛ اما در بلندمدت نه یک بستنی و نه یک ماشین جدید و نه ثروتمند و مشهور شدن احساس سعادت و رضایتی را که در ابتدا ایجاد می‌کردند، موجب نمی‌شوند؛ زیرا احساس رضایت و سعادت بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت او می‌باشد. با پیشرفت و ترقی بلندمدت، آرزوهای شخص افزایش یافته، با آن موقعیت مطابقت می‌یابند. پس خوشبختی پیامد ثروتمند بودن نیست، بلکه پیامد موقت ثروتمندتر شدن است (همان: ۲۴۱-۲۴۲). بر اساس نظریه تغییرات فرهنگی می‌توان اینگونه استدلال کرد که ارزشهای جدید با ارزشهای قدیم متفاوت باشد؛ ارزشهای قدیم یا سنتی بر پیوند و جمع‌گرایی و تشکیل و حفظ خانواده تاکید می‌کنند و ارزشهای جدید بر فردگرایی و ابراز وجود و انتخابگری و آزادی بیشتری تاکید داشته که با روح خانواده که

نهادی جمع گراست، تباین ماهیتی داشته دارند و در نتیجه زمینه بروز تعارض بین زن و شوهر را به وجود می‌آورند.

۲-۲-۹ نظریه آرمانگرایی توسعه ای^۱

آرمانگرایی توسعه‌ای مدلی ایده‌ای برای توضیح پدیده‌های جهان جدید است. این مدل راهنمایی برای فهمیدن این است که چه چیزی اخلاقی، خوب است و چگونه می‌توان به آن رسید. این مدل برخاسته از پارادایم توسعه‌ای است که توضیح دهنده این است که تغییرات اجتماعی چطور اتفاق می‌افتد (ترنتون^۲ و همکاران، ۲۰۱۰: ۵). نظریه ایده‌آلیسم توسعه‌ای، یک سیستم ارزشی و اعتقادی است که بیان می‌کند نگرشهای اجتماعی و خانوادگی که به عنوان مدرن تعریف شده‌اند بهتر از نگرشهای سنتی هستند. این نظریه بر اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیزاسیون در سطح جهان به عنوان عاملی مهم در تغییرات ارزشی و رفتاری تأکید دارد که به عنوان ایده‌آلیسم توسعه‌ای در تمام دنیا انتشار یافته است. این مجموعه از ایده‌ها و نگرشها، ایده‌آلهایی را ایجاد می‌کنند که موجب تغییراتی در نگرشها و رفتارهای مرتبط با تشکیل خانواده و باروری مانند: افزایش استفاده از وسایل پیشگیری، پذیرش اندازه کوچک خانواده، افزایش سن ازدواج و برابری جنسیتی بیشتر شده‌اند. همچنین تکنولوژی ارتباطات و رسانه‌های جمعی، دانشی درباره اشکال جدید رفتار به تمام نقاط جهان گسترش می‌دهند و اشکال جدیدی از رفتار عمومیت می‌یابند (عباسی شوارزی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۲).

پارادایم توسعه‌ای مدلی از تغییرات اجتماعی است که تفکر غربی را از دوران روشنگری از سده قرن ۱۶ و ۱۷ به بعد را تا دوره کنونی تحت تأثیر قرار داده است. این پارادایم فرض را بر این می‌گیرد که جوامع از طریق مراحل توسعه‌ای ضروری، جهانی و طبیعی یکسانی پیشرفت می‌کنند. در این مدل اعتقاد بر این است که سرعت توسعه متفاوت است به گونه‌ای که در هر برهه از زمان می‌توان جوامعی را در سطوح مختلف توسعه مشاهده کرد (تورنتون و همکاران، ۲۰۱۰: ۵). متفکران غربی جوامع شمال غربی اروپا و دیاسپورای شمال

^۱: Developmental idealism

^۲: Thornton

غربی اروپا را به عنوان ملل توسعه یافته و جوامع دیگر را به موقعیت پایینتری به رسمیت شناختند. این متفکران معتقدند که آنها توانسته‌اند از این داده‌ها مقطعی برای توصیف مسیرهای توسعه استفاده کنند. آنها اینگونه استنباط کرده‌اند که در زمانی در گذشته جوامع شمال غربی اروپا شبیه کشورهای کمتر توسعه یافته کنونی در سایر مکانها بوده‌اند و در نقطه مقابل آینده این ملل کمتر توسعه دنیا شبیه کشورهای توسعه یافته کنونی خواهد شد (همان: ۶). در همین راستا متفکران غربی تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و جمعیتی را بین کشورهای غربی و سایر کشورها مشاهده کردند. آنها این تفاوتها را بر وجود و عدم وجود توسعه در کشورهای توسعه یافته غربی و توسعه نیافته سایر کشورها در نظر گرفتند. در این رویکرد سنت در زمینه خانواده و جمعیت با ویژگیهایی از قبیل انسجام خانوادگی، خانوارهای گسترده، ازدواج فراگیر و در سنین جوانی، سطح بالای اقتدار والدین، ازدواج از پیش تعیین شده و باروری طبیعی و نرخ بالا در ارتباط است. در مقابل توسعه‌یافتگی و تجدد با خصایصی مانند فردگرایی، اقتدار کم والدین، خانوارهای هسته‌ای، ازدواج با فراگیری کم و در سنین بالا، ازدواج با انتخاب فردی و باروری کنترل شده و محدود در ارتباط است (همان: ۶).

آرمانگرایی توسعه‌ای چهار مفروض اصلی دارد که عبارتند از: ۱. جامعه مدرن خوب است و امکان دستیابی به آن وجود دارد ۲. خانواده مدرن خوب است و امکان دستیابی به آن وجود دارد ۳. خانواده مدرن هم یک علت و هم یک معلول جامعه مدرن است ۴. در جامعه مدرن افراد برابر و آزاد هستند و روابط اجتماعی بر مبنای توافق شکل می‌گیرد (تورنتون، ۲۰۰۱: ۴۵۴-۴۵۵). آرمانگرایی توسعه علاوه بر این مجموعه‌ای از ایده‌ها را فراهم می‌کند که تغییرات اجتماعی را هدایت و تحریک می‌کند. این ایده‌ها هدف زندگی، استاندارد تکامل سازمانهای انسانی، چارچوبی برای تاثیرات متقابل بین خانواده و زندگی اجتماعی - اقتصادی و همچنین توصیه‌هایی برای حقوق انسانی را مشخص می‌کردند. آرمانگرایی توسعه‌ای بر این امر دلالت می‌کند که جامعه صنعتی و شهری مدرن با سطح بالای تحصیلات، ثروت و سلامت، خوب و قابل دسترس است. همچنین بر این امر نیز دلالت می‌کند که ویژگیهای فردی و خانوادگی معینی در ارتباط با مدرنیته، شامل فردگرایی، خودمختاری جوانان، تاخیر در ازدواج، باروری کنترل شده و نرخ پایین فرزندآوری خوب است.

علاوه بر این آرمانگرایی توسعه‌ای به مردم این را منتقل می‌کند که خانواده مدرن و رفتارهای شخصی توسعه اجتماعی اقتصادی را تسهیل می‌کنند و توسعه اجتماعی اقتصادی به ایجاد یک سیستم خانوادگی جمعیتی مدرن کمک می‌کند. نهایتاً اینکه آرمانگرایی توسعه‌ای بر این امر دلالت می‌کند که مردم حق دارند آزاد و برابر باشند و خودشان درباره سرنوشتشان تصمیم بگیرند. ذکر این نکته نیز لازم است که فردگرایی، خودمختاری جوانان، آزادی و برابری در چارچوب آرمانگرایی توسعه‌ای با ارزش‌های به رسمیت شناخته شده در گذار دوم جمعیتی به عنوان نیروی برای تغییرات جمعیتی و خانوادگی در مشابهت قرار دارد (تورنتون و همکاران، ۲۰۱۰: ۷). نظریه آرمانگرایی توسعه نیز با دو نظریه گذار جمعیتی دوم و نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت همراستا و همسو است و به نظر می‌رسد این شکل نوین از خانواده که نظریه آرمانگرایی توسعه‌ای بر آن تاکید دارد دارای همان خصائص و ویژگی‌هایی است که سبب بروز تعارض بین زن و شوهر و در نتیجه افزایش میزان جدایی رسمی و طلاق خواهد شد.

۲-۲-۱۰ نظریه پارسونز

پارسونز در زمینه تفکیک نقشها بر این باور است که اگر افراد خود را با هنجارهای اجتماعی تطبیق دهند تعارض به حداقل می‌رسد. از نظر وی زنان و مردان در صورتی کارکردهای خود را به بهترین نحو ایفا می‌کنند که با ساختارهای نهادی شده‌ی جامعه خود را تطبیق دهند. دو عنصر عمده برای تشکیل خانواده وجود دارد که تفکیک بر مبنای جنسیت و تفکیک بر مبنای سن است. پارسونز در این ارتباط دلایلی را بر مبنای تفاوت‌های بیولوژیکی بین زن و مرد مطرح می‌کند است، بر این مبنا زنان بر اساس خصوصیات جنسی (باروری و شیردهی) با مردان متفاوت‌اند و جوامع نیز به اهمیت اجتماعی این تفاوتها توجه کرده و اکثر نظامهای خانواده نقشهای متفاوتی را برای زن و مرد تعیین کرده‌اند. پارسونز همچنین ساختار خانواده را پیامد تمایزپذیری و تفکیک در دو محور می‌بیند ۱. محور سلسله مراتبی قدرت نسبی ۲. محور نقشهای ابزاری در مقابل احساسی - عاطفی. پارسونز بر اساس این تفکیک‌پذیری، به چهار نوع تقسیم‌بندی بنیادی از نقش - پایگاه خانوادگی هسته‌ای می‌رسد که عبارتند از: ۱. نقش پدر: پدر دارای نقش ارتباط با دیگران است هم دارای قدرت بالایی است و هم در خانواده، وجه ابزاری در دست اوست و از طرفی، نقش احساسی و

عاطفی او نیز پایین است. ۲. نقش مادر: مادر دارای قدرت بالایی در وجه احساسی - عاطفی است و در نقش ابزاری از موقعیت پایینی برخوردار است. ۳. نقش فرزند پسر: پسر از نظر قدرت در سطح پایین ولی دارای وجه ابزاری است. ۴. نقش فرزند دختر: دختر از نظر قدرت در سطح پایین ولی دارای وجه احساسی - عاطفی است (ناصری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴-۱۵).

به اعتقاد پارسونز شرایط دستیابی به حداکثر کارکردهای خانواده، وجود دو تفاوت اساسی در میان اعضای گروه کوچک خانواده است. اولین شرط وجود دو قطب مخالف رهبری و زیردستان و دومین شرط وجود اختلاف در میان نقشهای ابزاری یا مردانه و نقشهای بیانگر یا زنانه است و تنها بر اساس این تقسیم نقش جنسی، امکان بقا و همبستگی خانواده وجود دارد؛ چرا که تشخیص و رعایت حدود وظایف هر یک از والدین مانع اغتشاش نقشها و ایجاد یک وضعیت رقابتی در خانواده می‌شود که مثلاً می‌تواند ناشی از دخالت زن در فعالیتهای شغلی است که در نهایت به تعارض زوجین و از هم پاشیدگی خانواده منجر می‌شود (بلالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

۲-۲-۱۱ کنش متقابل نمادین

در نظریه کنش متقابل نمادین فرض بر این است که انسانها در فراگرد کنش متقابل اجتماعی به گونه‌ای نمادین معنایی را به دیگران انتقال می‌دهند و دیگران این نمادهای معنی‌دار را تفسیر می‌کنند و بر پایه تفسیرشان از این نمادها واکنش نشان می‌دهند. بنابراین، تفسیرهای ذهنی انسانها از جهان تا حد زیادی تعیین کننده رفتار آنها است. بطور کلی نظریه کنش متقابل نمادین بر شیوه ساخته شدن دنیاهای نمادین توسط دارندگان فرهنگ تأکید می‌کند. در این نظریه فرهنگ ساختاری متصلب نیست، بلکه فرآیندی مداوم از شدن است. در این نظریه فرهنگ چون نماد و نشانه تعبیر شده است. محور اندیشه مکتب کنش متقابل نمادین شیوه مشاهده و فهم درونی کنشگران فرهنگ است تا از نقطه نظر دارندگان آن فرهنگ، آفرینش و آشکار شدن فرهنگ را درک کنند (نیازی و مرتضوی، ۱۳۹۴: ۲).

در این نظریه، انسان دارای استعداد اجتماعی شدن بوده و می‌تواند در مورد محیط پیرامونی و موقعیت خودش بر اساس نظام نمادین داوری کند و از این طریق در ساختن خود مؤثر باشد. به عبارت دیگر، خود اجتماعی در فرآیند تعامل با دیگران ساخته می‌شود. به عبارتی رفتار و نقش مناسب برای مردان و زنان (زن و شوهر) به آموزه‌هایی که در طول جامعه‌پذیری داشته‌اند بر می‌گردد. در زمینه تعارض روابط زناشویی پیروان این رویکرد بر این نظرند که توازن بین زن و شوهر تا حدی متأثر از باورهای زن و شوهر در مورد نقش‌های آنان در امر ازدواج است. بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده در این نظریه، زوجین می‌توانند در کنار هم زندگی مطلوبی داشته باشند که موقعیت و جایگاه آن در خانواده مورد تعدی قرار نگیرد و با توجه به برداشتی که از وظایف خود و همسر دارند اقدام به عمل نموده و انتظار بازخورد عمل متقابل را داشته باشند. در صورتی که چنین موقعیتی فراهم شود و زن و شوهر پاسخ مطلوبی از طرف مقابل دریافت کند احساس آرامش و امنیت و علاقه در آنها به وجود می‌آید و موجب سازگاری زناشویی از موقعیت مطلوب می‌شود. از شاخص‌های این نظریه میتوان به جامعه‌پذیری زن و شوهر و برآورده شدن انتظارات آنان اشاره کرد (تقوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶-۲۷).

۲-۳ چارچوب نظری

همانگونه که بیان شد در ادبیات جامعه‌شناسی در اغلب مطالعات از نظریه‌های مختلفی برای تبیین تعارض‌های به وجود آمده در رابطه زناشویی استفاده شده است ولی به نظر نگارنده شاید بتوان از دیدگاه نظریه‌نوسازی و تغییر فرهنگی و ارزشی اینگلهارت نیز مسئله تعارض‌ها زوجین را مورد بررسی قرار داد. همانگونه که ذکر آن رفت در رویکرد تضاد ارزشی علت بروز تعارض یا سرعت تغییرات به وجود آمده است که امکان ایجاد جایگزین مناسب را فراهم نمی‌آورد (دیدگاه توافق) یا تفاوت ارزشها و منافع است (رویکرد تضاد) که سبب بروز تعارض می‌گردد و غالباً در رویکرد تضادی نیز تعارض در رابطه بین دو طیف دارای ارزشهای سنتی و مدرن قابل تعریف و تبیین است. با این حال توجه چندانی به این امر نشده است که ممکن است در جامعه بین زن و شوهر توافق ارزشی وجود داشته باشد ولی این ارزشها به گونه‌ای باشند که

سبب واگرایی زن و شوهر نسبت به هم باشند. به عبارتی دیگر منظور این است که ارزشهای جدید با ارزشها قدیم متفاوت باشد؛ ارزشهای قدیم یا سنتی بر پیوند و جمع‌گرایی و تشکیل و حفظ خانواده تاکید کنند و ارزشهای جدید بر فردگرایی و ابراز وجود و انتخابگری و آزادی بیشتری تاکید داشته که با روح خانواده که نهادی جمع‌گراست، تباین ماهیتی داشته باشد. در این راستا شاید بهره‌گیری از نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی اینگلهارت نیز برای تبیین مسئله تحقیق راهگشا باشد.

به نظر اینگلهارت وجه تمایز مردم جوامع مختلف در نگرشها، ارزشها و مهارتهای اصلی و پایدار آنان است. به بیان دیگر فرهنگ آنان با هم تفاوت دارد. اینگلهارت بر این نظر است که در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژیکی و اجتماعی-سیاسی فرهنگهای جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. انگیزه‌های که مردم را به کار و می‌دارد، مسائلی که سبب بروز برخورد سیاسی می‌شود و اعتقادات مذهبی مردم، نگرش آنها درباره طلاق سقط جنین و همجنس‌بازی و اهمیتی که به داشتن بچه و تشکیل خانواده می‌دهند- همه دگرگون شده است؛ تا بدان حد که می‌توان اظهار داشت که در تمام کشورهای پیشرفته صنعتی خواست مردم از زندگی تغییر کرده است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱). به نظر اینگلهارت دگرگونی فرهنگی، تدریجی است و آن بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسلهای مختلف شکل داده است؛ از این رو ارزشها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند در حالی که گرایشهای جدید تا حد زیادی در میان نسلهای جوانتر نفوذ داشته، با جانشین شدن نسلهای جوانتر به جای نسلهای بزرگتر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون شده است (همان: ۱)

بر این اساس به نظر اینگلهارت جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگترانشان به آنها می‌آموزند بستگی ندارد بلکه جهان‌بینی آنها با تجارب کلی زندگی خودشان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسلهای گذشته متفاوت است. در طول دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم جوامع پیشرفته صنعتی با درآمد سرانه واقعی چهار یا پنج برابر بیش از هر زمان دیگر در تاریخ بسیاری از کشورها و بیست برابر بالاترین سطح قبلی خود در بعضی از کشورها به سطوح بی‌سابقه‌ای از توسعه اقتصادی دست یافته‌اند. این امر با ظهور دولت رفاه عمومی، تغییر در نظام بین‌المللی و رشد بی‌سابقه علم و تکنولوژی منجر به

تغییرات تدریجی در ارزشهای اصلی و رایج درباره سیاست، کار، مذهب، خانواده و رفتار جنسی شد (همان: ۲).

به نظر اینگلهارت دگرگونی ارزشها در میان نسلها به تدریج به سیاست و هنجارهای فرهنگی جوامع پیشرفته صنعتی انتقال می‌یابد. تحول از اولویتهای ارزشی مادی به فرامادی، مسائل سیاسی جدیدی را به مرکز صحنه آورده و نیروی محرکه اصلی بسیاری از جنبش‌ها گردیده است. احزاب موجود را دچار انشعاب کرده، موجب پیدایش احزاب جدید شده و معیارهایی را که مردم با آن درک ذهنی خود را از سعادت ارزشیابی می‌کنند دگرگون کرده است. از این گذشته به نظر می‌رسد خیزش فرامادی‌گری به تنهایی یک جنبه از فراگرد دگرگونی فرهنگی‌ای باشد که به گرایشهای مذهبی، نقشهای جنسیتی، هنجارهای جنسی و هنجارهای فرهنگی جوامع غرب شکل نوینی بخشیده است (همان: ۷۳). همانگونه که بیان شد خیزش فرامادی‌گری اگرچه گسترده است لیکن تنها یک جنبه از فراگرد وسیعتر دگرگونی فرهنگی است که به جهانی‌بینی سیاسی، گرایشهای مذهبی، نقشهای مبنی بر جنسیت و هنجارهای جنسی در جامعه پیشرفته صنعتی شکل نوینی بخشیده است. این دگرگونی‌ها در ارتباط با یک نیاز مشترکند: نیاز به احساس امنیت که مذهب و هنجارهای فرهنگی مطلق، به طریق سنتی آن را تامین می‌کرده‌اند. در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم پیدایش سطوح نسبتاً بالای امنیت اجتماعی که توسط دولت رفاه عمومی فراهم آمد به کاهش احساس شایع آسیب‌پذیری کمک کرد. برای بیشتر مردم سرنوشت فرد به هیچ عنوان تحت تاثیر نیروهای غیر قابل پیش‌بینی نبود آنچنان که در جامعه کشاورزی و صنعتی اولیه بود. به نظر اینگلهارت این واقعیت به گسترش گرایشهای فرامادی منجر شده است که اهمیت کمتری به ادیان قدیمی و هنجارهای فرهنگی می‌دهد به ویژه زمانی که این هنجارها با نیاز فرد به ابراز نظر در کشمکش باشد.

شواهد موجود در تغییر ساختار و وضعیت خانواده در ایران مانند کاهش نرخ باروری، فردگرایی، افزایش میزان طلاق، کاهش نرخ ازدواج و... نیز دلایلی بر وجود این امر است که تغییر فرهنگی و ارزشی که در جامعه ایرانی رخ داده است و چنین تغییراتی در گذشته نیز در جوامع دیگر اتفاق افتاده و نتایج مشابهی را در آنجا نیز به وجود آورده است. به عبارت دیگر شاید بتوان اینگونه عنوان کرد که نفوذ ارزشهای مدرن در

ملل مختلف تاثیرات مشابهی به دنبال داشته است و اگر تفاوتی وجود دارد در میزان تاثیر و شدت تغییر است و نوع آن.

بنابراین به نظر می‌رسد نظریه تغییرات فرهنگی نیز بتواند در تبیین بخشی از اختلافات موجود بین زوجین راه گشا باشد چرا که روند رو به رشد طلاق در کشور را می‌توان مشابه وضعیتی دانست که بعد از دهه ۱۹۶۰ در امریکا و کشورهای اسکاندیناوی روی داده است. علت این طلاقها قاعدتاً بروز اختلاف بین زوجین است ولی نمی‌توان ادعا کرد که تمامی این طلاقها از عدم همسازی ارزشها که یک طرف دارای ارزش و نگرش سنتی و دیگری دارای ارزشها مدرن و متجدد نشات می‌گیرد. بر اساس گزاره‌های فوق این پژوهش سعی بر آن دارد که با استفاده از رویکرد نظری تغییرات فرهنگی به بررسی عوامل مرتبط با بروز تعارض بین زوجین در جامعه ایران بپردازد.

فرضیات تحقیق

- هر چه افراد متاهل نگرش جنسیتی مدرنتری داشته باشند میزان تعارض زناشویی آنها بیشتر است و بالعکس.
- هر چه افراد متاهل نگرش مثبتتری به اعتماد خانوادگی در جامعه داشته باشند میزان تعارض زناشویی آنها کمتر است.
- هر چه افراد متاهل نگرش حق طلبانه‌تری در زندگی خانوادگی داشته باشند میزان تعارض زناشویی آنها بیشتر است
- هر چه افراد متاهل نگرش مدرن‌تری به ازدواج داشته باشند میزان تعارض زناشویی آنها بیشتر است و بالعکس

- هر چه معیارهای خوشبختی افراد متاهل به سمت عوامل مادی و اقتصادی سوق بیشتری داشته باشد تعارض زناشویی آنها بیشتر است
- هر چه رضایت از زندگی افراد متاهل بیشتر باشد میزان تعارض زناشویی آنها کمتر است
- هر چه رضایت جنسی افراد متاهل بیشتر باشد میزان تعارض زناشویی آنها کمتر است
- هر چه مشاهده خشونت بین والدین در افراد متاهل بیشتر باشد میزان تعارض زناشویی آنها بیشتر است.

مدل نظری تحقیق



فصل سوم

روش شناسی تحقیق

۳-۱ روش تحقیق

در این تحقیق از داده‌های پیمایش ملی خانواده بهره گرفته شده است و در واقع پژوهش حاضر تحلیل ثانویه بر روی داده‌های طرح مذکور است. جامعه آماری این طرح، مجموع افراد بالای ۱۵ سال خانوارهای معمولی ساکن در مناطق شهری کل کشور بوده است. هدف این پیمایش برآوردی ملی از موضوعات مورد بررسی در شهرهای کشور بوده است. نمونه‌گیری این طرح به گونه‌ای طراحی شده است که ارائه اطلاعات و تحلیلها در سه سطح شهرهای مرکز استان (۳۱ شهر)، مجموعه سایر شهرهای کشور (به جز ۳۱ شهر استان) و مجموعه کل شهرهای کشور امکان پذیر باشد. لازم به ذکر است که تحلیلها و برآوردهای مجموعه کل شهرهای کشور از ترکیب و ادغام دو سطح جغرافیایی شهرهای مرکز استان و مجموعه سایر شهرهای کشور به دست آمده است. برای دستیابی به اهداف این طرح در هر یک از دو سطح جغرافیایی شهرهای مرکز استان (۳۱ شهر) و مجموعه سایر شهرهای کشور (به جز ۳۱ شهر مرکز استان)، از روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای استفاده شده است. در این روش، ابتدا واحدهای نمونه مرحله اول که متشکل از مجموعه‌های به هم پیوسته از واحدهای نمونه‌گیری مرحله دوم یا همان واحد آماری (واحد تحلیل) است، به صورت احتمالی انتخاب شده‌اند و در مرحله دوم در هر یک از واحدهای نمونه مرحله اول، واحدهای نمونه مرحله دوم یعنی واحدهای آماری (واحد تحلیل) با احتمال معین انتخاب شده‌اند. واحدهای نمونه‌گیری مرحله اول، محدوده‌ای متشکل از حداقل ۵۵ واحد نمونه‌گیری مرحله دوم (افراد واجد شرایط) است. واحد نمونه‌گیری مرحله اول، از یک بلوک یا قسمتی از یک بلوک و در مواردی از چند بلوک شهری تشکیل شده است. حجم نمونه نیز ۵۰۰۴ نفر بوده است. لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر صرفاً پاسخهای پاسخگویان متاهل مورد بررسی قرار گرفته شده که تعداد آنها برابر ۳۸۱۹ می باشد. روش تحقیق در این پژوهش پیمایش بوده و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه کاغذی و پرسشنامه الکترونیکی گردآوری شده و نهایتاً برای تکمیل داده‌ها از تبلت بهره گرفته شده است.

لازم به ذکر است در تحقیق حاضر ابتدا توزیع فراوانی متغیرهای تحقیق بررسی گردید و سپس بر اساس دامنه‌های نمرات، هر متغیر به وسیله کدبندی مجدد به سه طبقه تقسیم بندی شد که شامل طبقات بالا، متوسط و پایین (غیر از مواردی که گزینه هیچکدام یا هرگز داشتند که این مقوله یک طبقه مختص به خود را داشت) می‌باشند. این طبقه‌بندی برای تمامی متغیرهایی که امکان کدبندی مجدد را داشتند اعمال گردید. اعمال کدبندی‌های سه گانه برای متغیرها به این جهت صورت گرفت ابتدا نمایا بودن تفاوتها در متغیرهای مختلف به شکل بهتر نشان داده شود و همچنین در زمان ترکیب متغیرها و در ارتباط قرار دادن آنها در بخش تبیین، همسازی بین کدها وجود داشته باشد. جهت ایجاد متغیر جدید (مانند شاخص تعارض زناشویی) ابتدا کدهای داده شده به متغیرهای مرتبط با تعارض که در دامنه ۱ تا ۳ بودند با یکدیگر ترکیب شدند، پس از ترکیب این متغیرها دامنه‌ی متغیر ترکیبی ایجاد شده به دامنه جدید تغییر پیدا کرد که برای بارنمایی بهتر این متغیر با استفاده از کد بندی مجدد دامنه این نمرات به دامنه ۱ تا ۳ تغییر داده شد و با سایر متغیرهای دیگر تحقیق همساز شد و امکان در ارتباط دادن این متغیر با سایر متغیرهای تحقیق مناسبتر گردید.. لازم به ذکر است که در این پژوهش به کمک نرم افزار SPSS ۲۲ داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های تبیینی گزارش شده است. در بخش توصیفی از مقادیر فراوانی، میانگین جهت توصیف متغیرها استفاده شد و در قسمت تبیینی بر حسب نیاز از آزمون‌های پیرسون، رگرسیون چند متغیره و خی دو و جداول تقاطی برای نشان دادن ارتباط بین متغیرهای تحقیق بهره گرفته شد.

۳-۲ تعریف مفاهیم تحقیق

در رابطه با مفاهیم و متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش لازم به توضیح است که این مفاهیم صورتبندی جرح و تعدیل شده‌ای از شاخصها و مولفه‌های مورد بررسی در پیمایش ملی خانواده هستند و تلاش محقق این بوده است تا این مفاهیم را در قالب تبیینی مورد بررسی قرار دهد چرا که پیمایش ملی خانواده صرفا

توصیفی از متغیرهای مربوط به خانواده بوده است و در این پژوهش با تحلیل داده‌های توصیفی و در ارتباط قرار دادن این متغیرهای موجود با یکدیگر و غور نظری در خروجی آزمونهای توصیفی تلاش شده که متغیرهای موجود در قالبی تبیینی جرح و تعدیل و بازتعریف شوند و به در بررسی متغیر تعارض زناشویی مورد استفاده قرار گیرند.

۳-۲-۱ ارزش‌ها و نگرش‌ها

ارزش‌ها، اموری هستند که افراد با کمک و بهره‌گیری از آنها بین کنش با ابژه خوب و بد (مطلوب و نامطلوب) تمیز قائل می‌شوند. در کنار ارزشها، نگرشها قرار دارند که پیوند وثیقی با یکدیگر دارند. نگرشها بیانگر احساسات و آمادگی عمل افراد در قبال امور مختلف هستند و باعث می‌شوند که افراد در موقعیتی مشخص، واکنش خاصی را از خود نشان دهد (موج سوم ارزشها و نگرشهای ایرانیان، ۱۳۹۴: ۹-۱۰).

۳-۲-۲ نگرش به ازدواج

منظور از نگرش به ازدواج طرز تفکر و شناخت و آمادگی برای عمل بر پایه ارزشهای زاده مدرنیزاسیون وقوع پیوسته در عصر حاضر و یا طرز تفکر و شناخت و آمادگی برای عمل بر پایه آداب و رسوم و عقاید سنتی است و سایر تحولات به است و در تحقیق حاضر نگرش به ازدواج به وسیله سوالات زیر مورد سنجش قرار گرفته است. لازم به ذکر است که این گویه‌ها هنگام کدگذاری در نرم افزار SPSS بر اساس طیف سنتی تا مدرن کدگذاری شده‌اند و بر همین مبنا تعریف فوق نیز شامل هر دو وجه نگرش سنتی و مدرن به ازدواج است.

- دختران می‌توانند از پسران خواستگاری کنند
- رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج اشکال ندارد.
- داشتن رابطه جنسی برای زنی که ازدواج نکرده است، اشکالی ندارد.
- ازدواج استقلال انسان را تا حد زیادی محدود می‌کند.
- تنها فایده ازدواج رفع نیاز جنسی است.
- زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی) اشکال ندارد.

- ازدواج مانع پیشرفت است
- بدون ازدواج زندگی رضایتبخش نیست.
- ازدواج یک پیوند و تعهد همیشگی و تا آخر عمر است.
- ازدواج فامیلی موفق تر از ازدواج با غریبه‌هاست.

۳-۲-۳ نگرش های جنسیتی

نگرش جنسیتی مقوله‌ای است که معطوف به دو جنس مرد و زن که در طول زمان پدید می‌آید که بی‌پیرایه و خالص نمی‌باشد، بلکه نگرشها از تصورات قالبی سرچشمه می‌گیرند. تصورات قالبی جنسی به عنوان باورهای مبتنی بر رضایت درباره ویژگیهای مردان و زنان در نظر گرفته شده است. به لحاظ اجتماعی این باورها درباره ویژگیهای مردان و زنان بر ادراکات مشاهده‌گر از مردان و زنان اثر می‌گذارند (کلیوند و همکاران: ۲۰۰۰ به نقل از مختاری و عنایت، ۱۳۹۰: ۷۰). در مطالعه حاضر نگرشهای جنسیتی به وسیله سوالات زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

- اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید دوست دارید پسر باشد یا دختر؟
- اگر امکان داشت دوباره به دنیا می‌آمدید دوست داشتید زن به دنیا می‌آمدید یا مرد؟
- فکر می‌کنید در جامعه ما زنان در مقایسه با مردان چقدر امکان پیشرفت دارند؟
- بعضی‌ها معتقدند زنان نیز باید مثل مردان حق طلاق داشته باشند شما با این موافقید یا مخالف؟
- بعضی‌ها معتقدند زنان نیز باید مثل مردان در تامین مخارج خانواده سهیم باشند، شما با این موافقید یا مخالف؟
- تا چه اندازه با کار زنان در بیرون از خانه موافق یا مخالفید؟
- مردی که همسرش کار تمام وقت انجام می‌دهد باید به اندازه همسرش در انجام کارهای خانه وقت بگذارد.

- نان آور خانه باید حتماً مرد باشد.
- در خانه حرف اول و آخر را باید مرد بزند.

۳-۲-۴ حق طلبی

منظور از حق طلبی توجه بیش از حد فرد به خواسته‌ها و انگیزه‌های خود است بطوری که نفع و لذت یا رفاه شخصی‌اش دنبال کند و حتی وجود دیگران بر مبنای میزان برآوردن خواسته‌های فرد ارزیابی شود که در مطالعه حاضر به وسیله سوالات زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

- اگر با گفتگو نتوانیم به تفاهم برسیم از خشونت و دعوا برای رسیدن به خواسته‌هایم استفاده می‌کنم
- اگر همسرم با خواست یا تصمیم من مخالفت کند با قطع رابطه زناشویی سعی می‌کنم نظر او را تغییر دهم

۳-۲-۵ رضایت از زندگی

منظور میزان رضایت فرد به طور کلی از زندگی خود و ابعادی است که غالباً مبنای رضایت افراد در جامعه هستند. این متغیر در تحقیق حاضر با سوالات رضایت از زندگی بطور کلی، همسر، فرزندان، خانواده پدری، خانواده همسر، شغل، وضع سلامتی تان، وضع مالی، وضع مسکن و محل سکونت مورد سنجش قرار گرفته است.

۳-۲-۶ عوامل خوشبختی

منظور عواملی هستند که از نظر افراد عامل خوشبختی محسوب می‌شوند که به صورت سوال باز پاسخ از پاسخگویان پرسیده شده است.

۳-۲-۷ رضایت جنسی

منظور از رضایت جنسی در تحقیق حاضر خرسندی و رضایت از روابط جنسی با همسر است که با استفاده از سوالات زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

- آیا در مجموع از روابط جنسی خود با همسرتان رضایت دارید؟

۳-۲-۸ موارد اختلاف بین زوجین

منظور موضوعاتی است که زن و شوهر بر سر آنها توافق ندارند که در این تحقیق شامل کارهای خانه، گذران وقت با هم، مسائل جنسی، معاشرت با خانواده خود، معاشرت با خانواده همسر، خرید لوازم منزل، نحوه تربیت فرزندان، انجام کارهای فرزندان، حضور به موقع در منزل، خرید لباس و مسائل دینی می شوند.

۳-۲-۹ شیوه‌های حل اختلافات

منظور شیوه‌هایی است که زوجین هنگام بروز اختلاف برای حل تعارضها و اختلافهای خود به کار می برد که در این تحقیق شامل مراجعه به مشاوران، مراجعه به ریش سفیدان خانواده، تحمل و سازگاری، شکایت به مراجع قضائی، روش‌های خشونت آمیز، قهر، ترک منزل، تهدید و گفتگو و تفاهم می شوند.

فصل چهارم

توصیف و تحلیل داده‌ها

۴-۱ مقدمه

در این بخش سعی شده که ابتدا متغیرهای مستقل و وابسته و همچنین متغیرهای زمینه‌های توصیف شوند و برای تبیین رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمونهای آمارهای مناسب بهره گرفته شود. لازم به ذکر است که در بخش توصیف، به جهت برجسته شدن و تفکیک مناسب بین مقوله‌ها سعی شده با استفاده از کدگذاری مجدد گویه‌ها و متغیرها دامنه تغییرات بصورت کم، متوسط و زیاد تغییر یابد و برای گزارش داده‌ها نیز از درصد‌های معتبر استفاده شده است.

۴-۲ توصیف داده‌ها

قبل از توصیف متغیرهای تحقیق لازم به ذکر است که در این پژوهش نمونه افراد متاهل مورد بررسی ۳۸۱۹ نفر بوده است که از این تعداد ۵۰,۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۹,۷ درصد پاسخگویان زن بوده‌اند. همچنین بیشترین پاسخگویان مربوط به پاسخگویان با تحصیلات دیپلم ۲۷,۲ درصد و کمترین میزان مربوط به پاسخگویان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر با میزان ۴,۳ درصد هستند. علاوه بر این بیشترین پاسخگویان مربوط به قومیت فارس با ۴۲,۷ درصد و کمترین میزان پاسخگویان مربوط به پاسخگویان قومیت ترکمن با ۰,۵ درصد بوده است. از نظر وضعیت شغلی نیز ۳۵,۳ درصد پاسخگویان شاغل، ۹,۹ درصد بیکار، ۴۵,۳ درصد خانه‌دار و ۹,۵ درصد پاسخگویان بازنشسته بوده‌اند.

۴-۲-۱ نگرش به ازدواج

جدول شماره ۱: نگرش به ازدواج			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	نگرش به ازدواج
۴۷,۱	۱۴۵۰	سنتی	
۵۱,۹	۱۵۹۸	میانه رو	
۱,۱	۳۳	مدرن	
۱۰۰,۰	۳۰۸۱	مجموع معتبر	
	۷۳۸	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

همانگونه که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد از مجموع پاسخگویان متاهل در پیمایش ۴۷,۱ درصد دارای نگرش سنتی به ازدواج، ۵۱,۹ درصد افراد متاهل دارای نگرش میانه‌رو نسبت به ازدواج و تنها ۱,۱ درصد از مجموع پاسخگویان متاهل دارای نگرش مدرن به ازدواج هستند که این آمار با در نظر گرفتن وضعیت در حال گذار جامعه از سنتی به مدرن قابل انتظار است و منطقی به نظر می‌رسد.

۴-۲-۲ نگرش جنسیتی

جدول شماره ۲: نگرش جنسیتی			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	نگرش جنسیتی
۱۵,۷	۵۷۸	سنتی	
۶۷,۷	۲۴۹۴	میانه رو	
۱۶,۷	۶۱۵	مدرن	
۱۰۰,۰	۳۶۸۷	مجموع معتبر	
	۱۳۲	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق حکایت از این امر دارد که از تعداد کل نمونه متاهل مورد بررسی در پیمایش ملی خانواده ۱۵,۷ درصد دارای نگرش جنسیتی سنتی، ۶۷,۷ درصد دارای نگرش جنسیتی میانه‌رو و ۱۶,۷ درصد نمونه افراد متاهل دارای نگرش جنسیتی مدرن هستند. در واقع این داده‌ها بیانگر این است که غالب نمونه مورد بررسی در مقوله میانه‌رو در رابطه با شاخص نگرش جنسیتی هستند.

۴-۲-۳ حق طلبی

جدول شماره ۳: حق طلبی		
درصد معتبر	فراوانی	مقوله
۵۷,۳	۲۰۰۷	کم
۳۵,۶	۱۲۴۸	متوسط
۷,۱	۲۴۸	زیاد
۱۰۰,۰	۳۵۰۳	مجموع معتبر
	۳۱۶	بی جواب
	۳۸۱۹	جمع کل

در رابطه با شاخص حق طلبی داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که از مجموع پاسخگویان متاهل ۵۷,۳ درصد دارای رفتار حق طلبانه با شدت کمی در مراودات زناشویی خود هستند و این در حالی است که ۳۵,۶ درصد دارای ارزش حق طلبانه با شدت متوسط و ۷,۱ درصد دارای رفتار حق طلبانه شدت زیاد در رابطه دسترسی به خواسته‌های خود در نسبت با همسرشان هستند.

۴-۲-۴ رضایت جنسی

جدول شماره ۴: رضایت جنسی		
درصد معتبر	فراوانی	مقوله
۷,۶	۲۵۵	پایین
۱۴,۸	۴۹۸	متوسط
۷۷,۶	۲۶۱۵	بالا
۱۰۰,۰	۳۳۶۸	مجموع معتبر
	۴۵۱	بی جواب
	۳۸۱۹	جمع کل

داده‌های مربوط به شاخص رضایت جنسی حکایت از این دارد که از مجموع کل پاسخگویان تحقیق میزان ۷,۶ درصد بیان کرده‌اند که از رضایت جنسی پایینی برخوردارند. این در حالی است که ۱۴,۸ درصد نمونه از

رضایت جنسی متوسط و ۷۷,۶ درصد نمونه‌های آماری متاهلین تحقیق، از رضایت جنسی بالایی برخوردار هستند.

۴-۲-۵ رضایت از زندگی

جدول شماره ۵: رضایت از زندگی			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	رضایت از زندگی
۴,۰	۱۵۴	اصلا	
۶,۳	۲۴۰	پایین	
۲۷,۱	۱۰۳۳	متوسط	
۶۲,۶	۲۳۹۰	بالا	
۱۰۰,۰	۳۸۱۶	مجموع معتبر	
	۳	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق حاکی از این است که از کل نمونه متاهلین مورد بررسی ۴ درصد هیچ رضایتی از زندگی خود ندارد. همچنین داده‌های جدول شماره ۵ بیانگر این است که ۶,۳ درصد نمونه رضایت پایینی از زندگی دارند، این در حالی است که ۲۷,۱ درصد نمونه دارای رضایت متوسطی از زندگی و ۶۲,۶ درصد دارای رضایت بالایی از زندگی خود هستند. درواقع نزدیک به دو سوم از جمعیت متاهلین دارای رضایت بالایی از زندگی خود هستند.

۴-۲-۶ سرمایه فرهنگی

جدول شماره ۶: سرمایه فرهنگی			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	سرمایه فرهنگی
۷۵,۶	۲۸۶۸	پایین	
۱۸,۹	۷۱۸	متوسط	
۵,۵	۲۰۸	بالا	
۱۰۰,۰	۳۷۹۴	مجموع معتبر	
	۲۵	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

لازم به توضیح است که متغیر سرمایه فرهنگی از ترکیب تحصیلات پدر و تحلیلات مادر تحصیلات فرد پاسخگو ساخته شده است. همانگونه که از داده‌های جدول شماره ۶ مشخص است ۷۵,۵ درصد نمونه مورد بررسی از سرمایه فرهنگی پایینی برخوردارند و این در حالی است که ۱۸,۹ درصد نمونه دارای سرمایه فرهنگی متوسط و ۵,۵ درصد نیز دارای سرمایه فرهنگی بالایی هستند. درواقع آنگونه که داده‌ها نشان می‌دهند بیش از دو سوم جمعیت متاهلین مورد بررسی دارای سرمایه فرهنگی پایینی هستند.

۴-۲-۷ نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه

جدول شماره ۷: نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه
۴۴,۵	۱۵۵۲	منفی	
۴۸,۲	۱۶۷۸	بینابین	
۷,۳	۲۵۴	مثبت	
۱۰۰,۰	۳۴۸۴	مجموع معتبر	
	۳۳۵	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول شماره ۷ بیانگر نگرش افراد متاهل نسبت به اعتماد خانوادگی در جامعه است. آنگونه که این داده‌ها نشان می‌دهند ۴۴,۵ درصد نمونه مورد بررسی نگرش منفی به اعتماد خانوادگی در جامعه دارند و ۴۸,۲ درصد نیز نگرش بینابینی نسبت به اعتماد خانوادگی در جامعه دارا هستند. این در حالی است که تنها ۷,۳ درصد نمونه مورد بررسی نگرش مثبتی به اعتماد خانوادگی در جامعه دارند. بر این اساس می‌توان اینگونه بیان کرد که بیش از ۹۰ درصد نمونه مورد بررسی نگرش بینابین و منفی نسبت به اعتماد خانوادگی در جامعه دارند.

۴-۲-۸ فشار شغلی

جدول شماره ۸: فشار شغلی			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	فشار شغلی
۶,۸	۹۵	کم	
۸۰,۸	۱۱۳۲	متوسط	
۱۲,۴	۱۷۴	زیاد	
۱۰۰,۰	۱۴۰۱	مجموع معتبر	

	۲۴۱۸	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که ۶,۸ درصد نمونه افراد متاهل مورد بررسی در پیمایش فشار شغلی کمی را تجربه می‌کنند و این در حالی است که ۸۰,۸ درصد نمونه دارای فشار شغلی متوسطی هستند. داده‌ها همچنین حاکی از این است که ۱۲,۴ درصد جمعیت متاهلین مورد بررسی دارای فشار شغلی زیادی هستند. به عبارتی می‌توان اینگونه بیان کرد که قالب جمعیت متاهلین مورد بررسی دارای فشار شغلی در حد متوسطی هستند.

۴-۲-۹ تعارض در مورد گذراندن وقت با همدیگر

جدول شماره ۹: تعارض در مورد گذراندن وقت با همدیگر			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	تعارض در مورد گذراندن وقت با همدیگر
۳۶,۶	۱۳۹۵	اصلا	
۲۳,۷	۹۰۴	کم	
۱۸,۰	۶۸۶	متوسط	
۲۱,۷	۸۲۷	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۱۱	مجموع معتبر	
	۸	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

جدول شماره ۹ بیانگر وضعیت تعارض زوجین در مورد گذراندن وقت به یکدیگر است. آنگونه که داده‌ها نشان می‌دهد ۳۶,۶ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که هیچ تعارضی در رابطه با گذراندن وقت با یکدیگر ندارد. این در حالی است که ۲۳,۷ درصد دارای تعارض کم، ۱۸ درصد دارای تعارض متوسط و ۲۱,۷ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند که تعارض زیادی در رابطه با گذراندن وقت با همسرانشان دارند.

۴-۲-۱۰ تعارض در مورد معاشرت با خانواده پاسخگو

جدول شماره ۱۰: تعارض در مورد معاشرت با خانواده پاسخگو			
تعارض در مورد	مقوله	فراوانی	درصد معتبر

۴۲,۸	۱۶۲۹	اصلا	معاشرت با خانواده پاسخگو
۲۳,۴	۸۹۰	کم	
۱۵,۷	۵۹۷	متوسط	
۱۸,۲	۶۹۳	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۱۰	مجموع معتبر	
	۹	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که ۴۲,۸ درصد پاسخگویان اینگونه عنوان کرده‌اند که برای معاشرت با خانواده خودشان هیچ‌گونه تعارضی با همسرشان ندارند ولی ۲۳,۴ درصد پاسخگویان اینگونه مطرح کرده‌اند در این شاخص دارای تعارض کم، ۱۵,۷ درصد دارای تعارض متوسط و ۱۸,۲ درصد دارای تعارض زیادی با همسرانشان در رابطه با معاشرت با خانواده پدری‌شان هستند.

۴-۲-۱۱ تعارض در مورد حضور به موقع در منزل

جدول شماره ۱۱: تعارض در مورد حضور به موقع در منزل			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	تعارض در مورد حضور به موقع در منزل
۳۹,۴	۱۵۰۵	اصلا	
۲۳,۴	۸۹۴	کم	
۱۵	۵۷۳	متوسط	
۲۲,۱	۸۴۵	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۱۶	مجموع معتبر	
	۳	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق نشانگر این مطلب است که ۳۹,۴ درصد پاسخگویان متاهل هیچ‌گونه تعارضی در مورد حضور به موقع در منزل ندارند. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که ۲۳,۴ درصد نمونه تعارض کمی در مورد حضور به موقع در منزل دارند. علاوه بر این ۱۵ درصد نمونه تعارض در حد متوسطی در مورد حضور به موقع همسرشان در منزل دارند و ۲۲,۱ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که تعارض زیادی در رابطه با حضور به موقع همسرشان در منزل دارند.

۴-۲-۱۲ تعارض در مورد معاشرت به خانواده همسر

جدول شماره ۱۲: تعارض در مورد معاشرت با خانواده همسر			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	تعارض در مورد معاشرت به خانواده همسر
۴۵,۶	۱۷۳۹	اصلا	
۲۲,۵	۸۵۶	کم	
۱۵,۴	۵۸۸	متوسط	
۱۶,۵	۶۲۹	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۱۱	مجموع معتبر	
	۸	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌ها پیمایش حاکی از آن است که ۴۵,۶ درصد پاسخگویان متاهل تعارضی در رابطه با معاشرت با خانواده همسر ندارند و این در حالی است که ۲۲,۵ درصد دارای تعارض کم، ۱۵,۴ درصد دارای تعارض در حد متوسط و ۱۶,۵ درصد دارای تعارض زیادی در مورد معاشرت با خانواده همسر خود هستند.

۴-۲-۱۳ تعارض در مورد نوع شغل و ...

جدول شماره ۱۳: تعارض در مورد نوع شغل و ...			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	تعارض در مورد نوع شغل و ...
۵۱,۶	۱۹۶۲	اصلا	
۱۹,۰	۷۲۳	کم	
۱۳,۹	۵۲۷	متوسط	
۱۵,۵	۵۸۸	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۰۰	مجموع معتبر	
	۱۹	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

همانگونه که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد ۵۱,۵ درصد پاسخگویان متاهل عنوان کرده‌اند که تعارضی در مورد نوع شغل و مسائل مرتبط با آن با همسرشان ندارند. داده‌های جدول همچنین نشان می‌دهد که ۱۹ درصد دارای تعارض کمی در رابطه با شغل همسر و مسائل مرتبط با آن دارد، این در حالی است که ۱۳,۹

درصد عنوان کرده‌اند دارای تعارض در حد متوسط و ۱۵,۵ درصد دارای تعارض شدید با همسرشان در رابطه با مقوله مذکور هستند.

۴-۲-۱۴ مراجع به مشاور به عنوان راه حل رفع تعارض

جدول شماره ۱۴: مراجعه به مشاور به عنوان راه حل رفع تعارض			
مقوله	فراوانی	درصد معتبر	مراجع به مشاور به عنوان راه حل رفع تعارض
اصلا	۲۹۸۵	۷۸,۳	
کم	۴۹۳	۱۲,۹	
متوسط	۲۰۸	۵,۵	
زیاد	۱۲۷	۳,۳	
مجموع معتبر	۳۸۱۳	۱۰۰,۰	
بی جواب	۶		
جمع کل	۳۸۱۹		

همانگونه که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد از کل افراد متاهل پاسخگو ۷۸,۳ درصد عنوان کرده‌اند که برای رفع تعارض خود با همسرشان اصلا به مشاور مراجعه نمی‌کنند. داده‌ها همچنین بیانگر این مطلب است که از کل تعداد پاسخگویان متاهل ۱۲,۹ درصد به میزان کم، ۵,۵ درصد در حد متوسط و تنها ۳,۳ درصد در حد زیادی برای رفع تعارض با همسرشان به مشاور مراجعه می‌کنند.

۴-۲-۱۵ مراجعه به ریش سفیدان به عنوان راه حل رفع تعارض

جدول شماره ۱۵: مراجعه به ریش سفیدان به عنوان راه حل رفع تعارض			
مقوله	فراوانی	درصد معتبر	مراجعه به ریش سفیدان به عنوان راه حل رفع تعارض
اصلا	۲۶۰۲	۶۸,۳	
کم	۶۴۱	۱۶,۸	
متوسط	۳۰۲	۷,۹	
زیاد	۲۶۴	۶,۹	
مجموع معتبر	۳۸۱۰	۱۰۰,۰	
بی جواب	۹		
جمع کل	۳۸۱۹		

داده‌های جدول فوق بیانگر میزان مراجعه پاسخگویان متاهل به ریش‌سفیدان برای حل تعارض با همسرشان است. این داده‌ها نشان می‌دهد که ۶۸,۳ درصد پاسخگویان برای رفع تعارض‌شان به ریش‌سفیدان مراجعه نمی‌کنند و این در حالی است که ۱۶,۸ درصد به میزان کم، ۷,۹ درصد به میزان متوسط و ۶,۹ درصد به میزان زیاد برای رفع تعارض‌شان به ریش‌سفیدان مراجعه می‌کنند.

۴-۲-۱۶ تحمل و سازگاری به عنوان راه حل رفع تعارض

جدول شماره ۱۶: تحمل و سازگاری به عنوان راه حل رفع تعارض			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	تحمل و سازگاری به عنوان راه حل رفع تعارض
۴,۷	۱۸۰	اصلا	
۵,۲	۱۹۷	کم	
۱۳,۶	۵۱۸	متوسط	
۷۶,۵	۲۹۱۷	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۱۳	مجموع معتبر	
	۶	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که از مجموع پاسخگویان متاهل ۴,۷ درصد عنوان کرده‌اند که به هیچ وجه از تحمل و سازگاری برای رفع تعارض‌شان بهره نمی‌گیرند. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که ۵,۲ درصد پاسخگویان به میزان کم، ۱۳,۶ درصد به میزان متوسط و ۷۶,۵ درصد به میزان زیادی از تحمل و سازگاری برای رفع تعارض با همسرشان بهره می‌گیرند.

۴-۲-۱۷ مراجعه به دادگاه و شکایت قضایی به عنوان راه حل رفع تعارض

جدول شماره ۱۷: مراجعه به دادگاه و شکایت قضایی به عنوان راه حل رفع تعارض			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	مراجعه به دادگاه و شکایت قضایی به عنوان راه حل رفع تعارض
۸۸,۸	۳۳۸۰	اصلا	
۷,۸	۲۹۶	کم	

۱,۷	۶۶	متوسط
۱,۷	۶۵	زیاد
۱۰۰,۰	۳۸۰۶	مجموع معتبر
	۱۳	بی جواب
	۳۸۱۹	جمع کل

همانگونه که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد ۸۸,۸ درصد پاسخگویان عنوان کرده‌اند که برای حل تعارض با همسرشان اصلاً به دادگاه و مراجع قضایی مراجعه نمی‌کنند و این در حالی است که ۷,۸ درصد عنوان کرده‌اند که به میزان کم، ۱,۷ درصد به حد متوسط و ۱,۷ درصد نیز به میزان زیادی برای حل تعارض‌شان با همسرشان از دادگاه و مراجع قضایی بهره می‌گیرند.

۴-۲-۱۸ ترک منزل به عنوان راه حل رفع تعارض

جدول شماره ۱۸: ترک منزل به عنوان راه حل رفع تعارض		
درصد معتبر	فراوانی	مقوله
۷۶,۷	۲۹۲۰	اصلاً
۱۵,۸	۶۰۱	کم
۴,۷	۱۸۰	متوسط
۲,۸	۱۰۵	زیاد
۱۰۰,۰	۳۸۰۶	مجموع معتبر
	۱۳	بی جواب
	۳۸۱۹	جمع کل

همانگونه که داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد ترک منزل به عنوان راه حل رفع تعارض مقوله‌ای است که ۷۶,۷ درصد از پاسخگویان عنوان کرده‌اند که اصلاً از آن بهره نمی‌گیرند و این در حالی است که ۱۵,۸ درصد پاسخگویان در حد کم، ۴,۷ درصد در حد متوسط و ۲,۸ درصد در حد زیاد از ترک منزل به عنوان راه حل رفع تعارض با همسرشان استفاده می‌کنند.

۴-۲-۱۹ تفاهم و گفتگو به عنوان راه حل رفع تعارض

جدول شماره ۱۹: تفاهم و گفتگو به عنوان راه حل رفع تعارض			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	تفاهم و گفتگو به عنوان راه حل رفع تعارض
۵,۳	۲۰۲	اصلا	
۷,۰	۲۶۵	کم	
۱۳,۳	۵۰۵	متوسط	
۷۴,۵	۲۸۴۰	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۱۳	مجموع معتبر	
	۶	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

همانگونه که داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد تفاهم و گفتگو به عنوان راه حل رفع تعارض مقوله‌ای دیگری است که از مجموع افراد پاسخگو ۵,۳ درصد عنوان کرده‌اند اصلا از آن استفاده نمی‌کنند در حالی که ۷ درصد پاسخگویان در حد کم، ۱۳,۳ درصد در حد متوسط و ۷۴,۵ درصد در حد زیادی از این مقوله به عنوان راه حل تعارض بهره می‌گیرند.

۴-۲-۲۰ کمک گرفتن از دوستان به عنوان راه حل رفع تعارض

جدول شماره ۲۰: کمک گرفتن از دوستان به عنوان راه حل رفع تعارض			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	کمک گرفتن از دوستان به عنوان راه حل رفع تعارض
۶۸,۴	۲۶۰۹	اصلا	
۱۶,۴	۶۲۶	کم	
۸,۵	۳۲۴	متوسط	
۶,۷	۲۵۴	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۸۱۳	مجموع معتبر	
	۶	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول بالا حاکی از این است که از مجموع کل پاسخگویان متاهل ۶۸,۴ درصد اصلا از دوستانشان برای رفع تعارض با همسرشان بهره نمی‌گیرند. داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که ۱۶,۴ درصد پاسخگویان در حد کم، ۸,۵ درصد در حد زیاد و ۶,۷ درصد در حد زیادی از دوستانشان برای رفع تعارض با همسرشان کمک می‌گیرند.

۴-۲-۲۱ شاخص میزان تعارض بین زوجین

جدول شماره ۲۱: شاخص میزان تعارض بین زوجین			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	شاخص میزان تعارض بین زوجین
۱۵,۳	۵۲۲	اصلا	
۴۰,۷	۱۳۹۱	کم	
۲۶,۶	۹۱۱	متوسط	
۱۷,۵	۵۹۷	زیاد	
۱۰۰,۰	۳۴۲۰	مجموع معتبر	
	۳۹۹	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های مربوط به شاخص کلی میزان تعارض زوجین در ایران حاکی از این است که از کل پاسخگویان متاهل ۱۵,۳ درصد عنوان کرده‌اند که هیچ‌گونه تعارضی با همسرشان ندارند، ۴۰,۷ درصد بیان کرده‌اند که تعارض در حد کم با همسران دارند، ۲۶,۶ درصد بیان کرده‌اند که تعارض در حد متوسطی با همسرشان دارند و ۱۷,۵ درصد نیز بیان کرده‌اند که تعارض در حد زیادی با همسرشان دارند.

۴-۲-۲۲ معیارهای خوشبختی از نظر متاهلین

جدول شماره ۲۲: معیارهای خوشبختی از نظر متاهلین			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	معیارهای خوشبختی از نظر متاهلین
۱۵,۷	۴۴۳	اخلاق	
۱۹,۵	۵۴۹	پول و ثروت	
۲۰,۰	۵۶۳	تفاهم	
۲۴,۵	۶۹۰	سلامتی	
۱۲,۳	۳۴۵	صداقت	

۸,۱	۲۲۹	آرامش	
۱۰۰,۰	۲۸۱۸	مجموع معتبر	
	۱۰۰۱	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول بالا بیانگر معیارهای خوشبختی از نظر پاسخگویان متاهل است. همانگونه که این داده‌ها نشان می‌دهند از نظر متاهلین اولویت اول معیار خوشبختی، سلامتی (۲۴,۵ درصد) است. اولویت و معیار دوم خوشبختی از نظر متاهلین تفاهم (۲۰ درصد) و اولویت‌های بعدی به ترتیب پول و ثروت (۱۹,۵ درصد)، اخلاق (۱۵,۷ درصد)، صداقت (۱۲,۳ درصد) و آرامش (۸,۱ درصد) است.

۴-۲-۲۳ تحصیلات زوجین

جدول شماره ۲۳: تحصیلات زوجین			
درصد معتبر	فراوانی		تحصیلات زوجین
۳۶,۷	۱۳۹۱	پایین	
۴۸,۴	۱۸۳۵	متوسط	
۱۵,۰	۵۶۸	بالا	
۱۰۰,۰	۳۷۹۴	مجموع معتبر	
	۲۵	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

لازم به توضیح است که این متغیر از ترکیب تحصیلات فرد پاسخگو و تحصیلات همسر او ساخته شده است. جدول فوق بیانگر شاخص تحصیلات زوجین است که بیانگر این مطلب است که ۳۶,۶ درصد زوجین پیمایش دارای سطح تحصیلی پایین، ۴۸,۴ درصد نمونه دارای تحصیلات متوسط و ۱۵ درصد نیز دارای تحصیلات بالا هستند.

۴-۲-۲۴ تحصیلات پاسخگو

جدول شماره ۲۴: تحصیلات پاسخگو			
درصد معتبر	فراوانی	مقوله	تحصیلات پاسخگو
۴۲,۹	۱۶۳۶	پایین	

۳۹,۵	۱۵۰۴	متوسط	
۱۷,۶	۶۷۱	بالا	
۱۰۰,۰	۳۸۱۰	مجموع معتبر	
	۹	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق بیانگر این مطلب است که از مجموع پاسخگویان ۴۲,۹ درصد دارای تحصیلات پایین، ۳۹,۵ درصد دارای تحصیلات متوسط و ۱۷,۶ درصد دارای تحصیلات بالا هستند.

۴-۲-۲۵ تحصیلات همسر پاسخگو

جدول شماره ۲۵: تحصیلات همسر پاسخگو			
درصد معتبر	فراوانی		تحصیلات همسر پاسخگو
۴۴,۶	۱۶۹۶	پایین	
۳۸,۸	۱۴۷۵	متوسط	
۱۶,۶	۶۳۰	بالا	
۱۰۰,۰	۳۸۰۰	مجموع معتبر	
	۱۹	بی جواب	
	۳۸۱۹	جمع کل	

داده‌های جدول فوق بیانگر این مطلب است که در مجموع ۴۴,۶ درصد از همسر پاسخگویان دارای تحصیلات پایین، ۳۸,۸ درصد دارای تحصیلات متوسط و ۱۶,۶ درصد دارای تحصیلات بالا هستند.

۴-۳ تبیین و تحلیل دادها

۴-۳-۱ رابطه بین حق طلبی و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۲۶: رابطه بین حق طلبی و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۲۰۳**	حق طلبی

همانگونه که داده‌های جدول شماره ۲۶ نشان می‌دهد بین متغیر حق طلبی و تعارض بین زوجین رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ برقرار است. این بدان معنی است که هر چه میزان حق طلبی زوجین زیادتر شود، تعارض بین آنها نیز افزایش می‌یابد و برعکس. شدت این رابطه برابر ۰/۲۰ است که بیانگر رابطه نه چندان قوی این دو متغیر است.

۴-۳-۲ رابطه بین سرمایه فرهنگی و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۲۷: رابطه بین سرمایه فرهنگی و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۷۵**	سرمایه فرهنگی

آزمون همبستگی پیرسون بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و تعارض بین زوجین بیانگر رابطه معنی‌دار بین دو متغیر است. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است، یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی، تعارض بین زوجین نیز افزایش می‌یابد ولی آماره پیرسون که میزان آن برابر با ۰/۰۷ است بیانگر شدت رابطه بسیار ضعیف بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و تعارض بین زوجین است.

۴-۳-۳ رابطه بین نگرش به ازدواج و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۲۸: رابطه بین نگرش به ازدواج و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۱۳۹**	نگرش به ازدواج (سنتی و مدرن)

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که بین دو متغیر نگرش به ازدواج (سنتی و مدرن) و تعارض بین زوجین رابطه وجود دارد که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار شده است. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است. بطوری که هر چه نگرش به ازدواج به سمت مدرن سوق یابد، میزان تعارض بین زوجین نیز افزایش می‌یابد و هر چه نگرش به ازدواج سنتی‌تر باشد، میزان تعارض بین زوجین کاهش می‌یابد. میزان آماره پیرسون با ۰/۱۳۹ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر مذکور رابطه ضعیفی وجود دارد.

۴-۳-۴ رابطه بین رضایت از زندگی و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۲۹: رابطه بین رضایت از زندگی و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
-.۰۸۰**	رضایت از زندگی

نتایج حاصل از آزمون پیرسون بین دو متغیر رضایت از زندگی و تعارض بین زوجین نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است. جهت این رابطه منفی و معکوس است، بدین معنی که هر چه رضایت از زندگی بیشتر شود، میزان تعارض بین زوجین کاهش می‌یابد. با این وجود میزان آماره پیرسون ۰/۰۸- بیانگر این مطلب است که شدت این رابطه بسیار ضعیف است.

۴-۳-۵ رابطه بین رضایت جنسی و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۰: رابطه بین رضایت جنسی و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
-.۰۹۲**	رضایت جنسی

داده‌های جدول شماره ۳۰ حاکی از این است که بین دو متغیر رضایت جنسی و تعارض بین زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. جهت رابطه بین این دو متغیر منفی و معکوس است، بطوری که هر چه رضایت جنسی بیشتر شود میزان تعارض بین زوجین کاهش می‌یابد و بالعکس. اما رابطه بین این دو متغیر با آماره پیرسون ۰/۰۹- نشان‌دهنده رابطه بسیار ضعیف بین رضایت جنسی و تعارض بین زوجین است.

۴-۳-۶ رابطه بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۱: رابطه بین میزان درآمد ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۰۰	میزان درآمد ماهیانه خانواده

داده های جدول فوق بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر میزان درآمد ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین رابطه معنی داری وجود ندارد

۴-۳-۷ رابطه بین میزان درآمد پاسخگو و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۲: رابطه بین میزان درآمد پاسخگو و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۱۶	میزان درآمد پاسخگو

داده های جدول فوق بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر میزان درآمد پاسخگو و تعارض بین زوجین رابطه معنی داری وجود ندارد

۴-۳-۸ رابطه بین میزان هزینه ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۳: رابطه بین میزان هزینه ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
-.۰۱۹	هزینه ماهیانه خانواده

داده‌های جدول فوق بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر میزان هزینه ماهیانه خانواده و تعارض بین زوجین رابطه معنی‌داری وجود ندارد

۹-۳-۴ رابطه بین تحصیلات زوجین و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۴: رابطه بین تحصیلات زوجین و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۶۴**	تحصیلات زوجین

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که بین دو متغیر تحصیلات زوجین و تعارض بین زوجین رابطه وجود دارد که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار شده است. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است. بطوری که هر چه تحصیلات زوجین بیشتر شود، میزان تعارض بین زوجین نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. میزان آماره پیرسون با ۰/۰۶۴ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر مذکور رابطه بسیار ضعیفی وجود دارد.

۱۰-۳-۴ رابطه بین تحصیلات پاسخگو و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۵: رابطه بین تحصیلات پاسخگو و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۵۶**	تحصیلات پاسخگو

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که بین دو متغیر تحصیلات پاسخگو و تعارض بین زوجین رابطه وجود دارد که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار شده است. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است. بطوری که هر چه تحصیلات فرد بیشتر شود، میزان تعارض بین زوجین نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. میزان آماره پیرسون با ۰/۰۵۶ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر مذکور شدت رابطه بسیار ضعیفی وجود دارد.

۴-۳-۱۱ رابطه بین تحصیلات همسر پاسخگو و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۶: رابطه بین تحصیلات همسر پاسخگو و تعارض بین زوجین	
زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۶۵**	تحصیلات همسر پاسخگو

داده‌های جدول فوق بیانگر این است که بین دو متغیر تحصیلات همسر پاسخگو و تعارض بین زوجین رابطه وجود دارد که در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار شده است. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است. بطوری که هر چه تحصیلات همسر پاسخگو بیشتر شود، میزان تعارض بین زوجین نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. میزان آماره پیرسون ۰/۰۶۵ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر مذکور شدت رابطه بسیار ضعیفی وجود دارد.

۴-۳-۱۲ رابطه بین نگرش جنسیتی و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۷: رابطه بین نگرش جنسیتی و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۳۹*	نگرش جنسیتی (سنتی به مدرن)

داده‌های جدول شماره ۳۸ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر نگرش جنسیتی و تعارض بین زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد و در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنی‌دار شده است. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است. بطوری که هر چه نگرش جنسیتی به سمت نگرش سنتی گرایش پیدا کند، میزان تعارض بین زوجین کمتر می‌شود و در طرف مقابل هر چه نگرش جنسیتی به سمت نگرش مدرن گرایش پیدا کند، تعارض بین زوجین بیشتر می‌شود. با این وجود مقدار آماره پیرسون با ۰/۰۳۹ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر مذکور رابطه بسیار ضعیفی وجود دارد.

۴-۳-۱۳ رابطه بین فشار شغلی و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۸: رابطه بین فشار شغلی و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۰۵۸*	فشار شغلی

داده‌های جدول شماره ۴۰ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر فشار شغلی و تعارض بین زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است، بطوری که هر چه فشار شغلی بیشتر باشد، میزان تعارض بین زوجین نیز بیشتر می‌شود و بالعکس. با این حال مقدار آماره پیرسون با $0/058$ بیانگر این مطلب است که شدت رابطه بین دو متغیر مذکور بسیار ضعیف است.

۴-۳-۱۴ رابطه بین نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۳۹: رابطه بین نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
$0/39^*$	نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه

داده‌های جدول شماره ۳۹ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه و تعارض بین زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد که در سطح خطای کمتر از $0/05$ معنی‌دار شده است. جهت این رابطه مثبت و مستقیم است. بطوری که هر چه نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه مثبت‌تر باشد، میزان تعارض بین زوجین نیز بیشتر است و بالعکس. با این وجود مقدار آماره پیرسون با $0/39$ بیانگر این مطلب است که بین دو متغیر مذکور شدت رابطه بسیار ضعیفی وجود دارد.

۴-۳-۱۵ رابطه بین سال ازدواج و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۴۰: رابطه بین سال ازدواج و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
$-0/152^{**}$	سال ازدواج

نتایج حاصل از آزمون پیرسون بین دو متغیر سال ازدواج و تعارض بین زوجین نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است. جهت این رابطه منفی و معکوس است، بدین معنی که هر چه تعداد سالهای ازدواج زوجین بیشتر شود، میزان تعارض بین آنها کاهش می‌یابد. با این وجود میزان آماره پیرسون $-0/152$ است بیانگر این مطلب است که شدت این رابطه ضعیف است.

۴-۳-۱۶ رابطه بین مشاهده خشونت بین والدین و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۴۱: رابطه بین مشاهده خشونت بین والدین و تعارض بین زوجین	
زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
.۲۴۲**	مشاهده خشونت بین والدین

داده‌های جدول شماره ۴۱ حاکی از این است که بین متغیر مشاهده خشونت بین والدین و متغیر تعارض بین زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. این رابطه در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنی‌دار شده و جهت رابطه نیز مثبت و مستقیم است بطوری که هر چه مشاهده خشونت والدین بیشتر بوده باشد، میزان تعارض بین زوجین نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. مقدار آماره پیرسون با ۰/۲۴۲ بیانگر رابطه نه چندان ضعیف بین این دو متغیر است.

۴-۳-۱۷ رابطه بین سن و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۴۲: رابطه بین سن و تعارض بین زوجین	
تعارض بین زوجین	همبستگی پیرسون
-.۱۸۰**	سن

نتایج حاصل از آزمون پیرسون بین دو متغیر سن پاسخگو و تعارض بین زوجین نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است. جهت این رابطه منفی و معکوس است، بدین معنی که هر چه بر سالهای سن افراد اضافه شود، میزان تعارض با همسرشان کاهش می‌یابد. با این وجود میزان آماره پیرسون ۰/۱۸۰- است بیانگر این مطلب است که شدت این رابطه ضعیف است.

۴-۳-۱۸ رابطه بین تعارض بین زوجین و معیارهای خوشبختی

جدول شماره ۴۳: رابطه بین تعارض بین زوجین و معیارهای خوشبختی								
وی کرامر	جمع	آرامش	صداقت	سلامتی	تفاهم	پول و ثروت	اخلاق	معیار خوشبختی
								تعارض بین زوجین
.۰۹۲*	۱۵	۱۰,۴	۱۳,۶	۲۰,۷	۱۲,۷	۱۱	۱۶,۹	اصلا
	۴۱	۳۶,۸	۴۰,۲	۴۳,۴	۴۲,۴	۳۷,۱	۴۲,۷	کم
	۲۶,۷	۲۶,۴	۳۱,۶	۲۳,۷	۲۷,۳	۳۰,۳	۲۲,۷	متوسط
	۱۷,۳	۲۶,۴	۱۴,۶	۱۲,۲	۱۷,۶	۲۱,۶	۱۷,۷	زیاد
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

داده‌های جدول شماره ۴۳ بیانگر این مطلب است که بین معیارهای خوشبختی و متغیر تعارض بین زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار آماره وی کرامر با ۰.۰۹۲ بیانگر این مطلب که شدت این رابطه بسیار ضعیف است. داده‌های مربوط به جدول تقاطعی بین معیارهای خوشبختی و تعارض بین زوجین نشان‌دهنده این امر است که افرادی که سلامتی را به عنوان مهمترین معیار خوشبختی در نظر گرفته‌اند بیشتر از سایر افراد بیان کرده‌اند که هیچ تعارضی با همسر خود ندارند. از طرف دیگر درصد افرادی که به ترتیب آرامش (۲۶,۴) و پول و ثروت (۲۱,۶) را به عنوان مهمترین معیار خوشبختی در نظر گرفته‌اند در بین پاسخگویانی که بیان کرده‌اند زیاد با همسرشان در تعارض هستند بیش از سایر پاسخگویان است. به عبارتی به نظر می‌رسد فقدان ذهنی و عینی این دو متغیر و تعارض زیاد بین زوجین ارتباط مثبتی و مستقیمی وجود داشته باشد.

۴-۳-۱۹ رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و تعارض بین زوجین

جدول شماره ۴۶: رگرسیون چند متغیره بین متغیرهای مستقل و تعارض بین زوجین			
مجدور R	سطح معنی داری	ضریب استاندارد Beta	تعارض بین زوجین
			متغیرهای مستقل
.۱۲۴	.۹۲۱	-.۰۰۵	تحصیلات همسر پاسخگو

	.۱۴۶	.۰۸۵	تحصیلات پاسخگو
	.۳۰۹	-.۰۳۶	نگرش جنسیتی (سنتی - مدرن)
	.۰۰۸	.۰۹۰	نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه
	.۵۲۴	.۰۲۳	فشار شغلی متاهلین
	.۳۴۹	-.۰۴۹	سرمایه فرهنگی
	.۰۰۰	.۲۰۲	حق طلبی
	.۷۱۰	-.۰۱۳	نگرش به ازدواج (سنتی - مدرن)
	.۰۳۶	-.۰۷۲	رضایت از زندگی
	.۰۴۲	-.۰۷۳	رضایت جنسی
	.۰۰۰	.۱۴۵	مشاهده خشونت بین والدین
	.۲۲۶	.۰۴۹	درآمد پاسخگو
	.۰۴۵	-.۰۷۹	هزینه ماهیانه خانواده
	.۴۳۸	-.۰۳۱	میزان درآمد ماهیانه خانواده
	.۸۷۳	.۰۱۲	سن
	.۱۸۸	-.۱۰۲	سال ازدواج
	.۲۸۶	.۰۵۰	تحصیلات زوجین

داده‌های جدول فوق بیانگر این مطلب است که از بین متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیونی، بر اساس سطح معنی‌داری مقدار t می‌توان اینگونه عنوان کرد که متغیرهای نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه، حق‌طلبی، رضایت از زندگی، رضایت جنسی، مشاهده خشونت بین والدین و هزینه ماهیانه خانواده تاثیر معنی‌دار و مستقیمی بر تعارض بین زوجین دارند. از بین متغیرهای مذکور به ترتیب حق‌طلبی با بتای (۰/۲۰۲) و مشاهده خشونت بین والدین با بتای (۰/۱۴۵) بیشترین تاثیر را بر تغییرات متغیر تعارض بین زوجین دارند. مقدار ضریب تعیین در معادله رگرسیونی فوق برابر ۰/۱۲۴ است که بیانگر این مطلب است که در مجموع ۱۲ درصد از تغییرات متغیر تعارض بین زوجین به وسیله متغیرهای مستقل در جدول فوق قابل تبیین است.



فصل پنجم

بحث و نتیجه‌گیری

۵-۱ مقدمه

در این بخش سعی شده که ابتدا یک جمع‌بندی کلی از نتایج بدست آمده از این پیمایش به دست داده شود و سپس بر اساس آزمونهای آماری و پیشینه تجربی و چارچوب نظری تحقیق به بحث و نتیجه‌گیری در رابطه با عوامل مرتبط با بروز تعارض بین زوجین پرداخته شود.

۵-۲ جمع بندی

بر اساس یافته‌های این تحقیق می‌توان اینگونه عنوان کرد که در ایران غالب زوجین دارای نگرش میانه‌رو (نه زیاد سنتی و نه زیاد مدرن) به ازدواج (۵۱,۹ درصد) هستند و دو مقوله افراد دارای نگرش سنتی به ازدواج و نگرش مدرن به ازدواج در اقلیت قرار دارند. در همین راستا نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که غالب جمعیت متاهلین دارای نگرش جنسیتی میانه‌رو (۶۷,۷ درصد) هستند. در رابطه با شاخص حق‌طلبی نیز می‌توان اینگونه بیان کرد که غالب افراد متاهل دارای میزان در حد پایین حق‌طلبی (۵۷,۳ درصد) هستند، به عبارتی همه افراد تا حدی حق‌طلب هستند ولی شدت این حق‌طلبی متفاوت است و جمعیت بیشتر متاهلین دارای نگرش حق‌طلبانه پاپینی هستند. در مقوله رضایت جنسی نیز داده‌های این پیمایش نشان می‌دهد اکثر متاهلین دارای رضایت جنسی بالایی (۷۷,۶ درصد) هستند و به همین صورت در مقوله رضایت از زندگی نیز بیشتر متاهلین از رضایت زندگی بالایی (۶۲,۶ درصد) برخوردار هستند. از نظر سرمایه فرهنگی می‌توان اینگونه بیان کرد که غالب افراد متاهل جامعه (۷۵,۵ درصد) از سرمایه فرهنگی پاپینی برخوردار هستند و از نظر شاخص نگرش افراد متاهل نسبت به اعتماد خانوادگی در جامعه نیز داده‌های این پیمایش حاکی از این است که غالب افراد متاهل نگرش منفی و بینابینی نسبت به اعتماد خانوادگی در جامعه دارند و تنها (۷,۳ درصد) نگرش مثبتی به اعتماد خانوادگی در جامعه دارند. فشار شغلی از دیگر شاخصهای مورد بررسی در این تحقیق بود که نتایج حاکی از این است که غالب افراد متاهل (۸۰,۸ درصد) فشار شغلی در حد متوسطی را تجربه می‌کنند.

از نظر موضوعات مورد تعارض بین زوجین نتایج این پیمایش حاکی از این است که پاسخگویان کمترین تعارض را در رابطه با تعارض در نوع شغل و مسائل مرتبط با آن دارند بطوری که بیشترین میزان (۵۱,۱ درصد) نمونه مورد بررسی عنوان کرده‌اند که هیچ تعارضی در این موضوع با همسر خود ندارد. از سوی دیگر از بین موضوعات مورد تعارض زوجین، حضور به موقع همسر در منزل با ۲۲,۱ درصد و گذراندن وقت با یکدیگر با ۲۱,۷ به ترتیب بیشترین درصد تعارض زیاد بین زوجین را به خود اختصاص دادند. در رابطه راه-حل‌های حل تعارض نیز می‌توان اینگونه عنوان کرد که از بین راه‌حل‌های موجود برای رفع تعارض، مراجعه به مراجع قضایی و دادگاه کمترین میزان را در بین راه‌حل‌های حل تعارض زوجین به خود اختصاص داده بطوری که (۸۸,۸ درصد) پاسخگویان عنوان کرده‌اند که برای حل تعارض با همسرشان اصلاً به دادگاه و مراجع قضایی مراجعه نمی‌کنند و در همین راستا ۷۶,۵ درصد به میزان زیادی از تحمل و سازگاری و ۷۴,۵ درصد در حد زیادی از گفتگو برای رفع تعارض با همسرشان بهره می‌گیرند که این دو مقوله بیشترین مقادیر را در بین راه‌حل‌های حل تعارض بین زوجین به خود اختصاص دادند. با این حال بررسی شاخص کلی میزان تعارض زوجین در ایران حاکی از این است که از کل پاسخگویان متاهل ۱۵,۳ درصد هیچ‌گونه تعارضی با همسرشان ندارند، ۴۰,۷ درصد دارای تعارض در حد کم، ۲۶,۶ درصد دارای تعارض در حد متوسطی و ۱۷,۵ درصد نیز دارای تعارض در حد زیادی با همسرانشان هستند. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که از نظر متاهلین اولویت اول معیار خوشبختی سلامتی (۲۴,۵ درصد) و اولویت آخر آنها آرامش (۸,۱ درصد) است.

بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته در این تحقیق نشان می‌دهد بین متغیرهای مستقل حق-طلبی، سرمایه فرهنگی، متغیر نگرش به ازدواج (سنتی و مدرن)، تحصیلات زوجین، نگرش جنسیتی، فشار شغلی، نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه و متغیر مشاهده خشونت بین والدین و متغیر وابسته تعارض بین زوجین رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. این بدان معنی است که هر چه میزان حق طلبی، سرمایه فرهنگی، متغیر نگرش به ازدواج (سنتی و مدرن)، تحصیلات زوجین، نگرش جنسیتی، فشار شغلی، نگرش به اعتماد خانوادگی در جامعه و متغیر مشاهده خشونت بین والدین زیادتر شود، تعارض بین آنها نیز افزایش می‌یابد و برعکس. با این حال شدت رابطه بین متغیرهای مستقل مشاهده خشونت بین والدین، حق طلبی و نگرش به ازدواج (سنتی و مدرن) و متغیر وابسته تعارض بین زوجین به میزان قابل توجهی بیش از سایر متغیرهای مذکور است.

علاوه بر این بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته حاکی از این است که بین متغیرهای مستقل رضایت از زندگی، رضایت جنسی، سال ازدواج، سن پاسخگو و متغیر وابسته تعارض بین زوجین رابطه معنی‌دار، منفی و معکوسی وجود دارد، بطوری که هر چه متغیرهای مستقل رضایت از زندگی، رضایت جنسی، تعداد سال‌های ازدواج و سن پاسخگویان افزایش یابد، میزان تعارض آنها با همسرشان کاهش می‌یابد.

و بالعکس. با این حال از بین متغیرهای مذکور شدت رابطه بین متغیرهای تعداد سالهای ازدواج و سن پاسخگو با میزان تعارض بین زوجین به طور برجسته‌ای بیش از رابطه بین دو متغیر رضایت از زندگی و رضایت جنسی با متغیر تعارض بین زوجین است.

نتایج این تحقیق همچنین حاکی از این است که افرادی که سلامتی را به عنوان مهمترین معیار خوشبختی در نظر گرفته‌اند بیشتر از سایر افراد بیان کرده‌اند که هیچ تعارضی با همسر خود ندارند. از طرف دیگر درصد افرادی که به ترتیب آرامش (۲۶,۴) و پول و ثروت (۲۱,۶) را به عنوان مهمترین معیار خوشبختی در نظر گرفته‌اند بیش از سایر پاسخگویان است با همسرشان در تعارض هستند. به عبارتی به نظر می‌رسد فقدان ذهنی و عینی این دو متغیر و تعارض زیاد بین زوجین ارتباط معنی‌داری وجود داشته باشد. علاوه بر این از بین متغیرهای مستقل پژوهش به ترتیب حق طلبی با بتای (۰/۲۰۲) و مشاهده خشونت بین والدین با بتای (۰/۱۴۵) بیشترین تاثیر مستقیم را بر تغییرات متغیر تعارض بین زوجین دارند. مقدار ضریب تعیین در معادله رگرسیونی فوق برابر ۰/۱۲۴ است که بیانگر این مطلب است که در مجموع ۱۲ درصد از تغییرات متغیر تعارض بین زوجین به وسیله متغیرهای مستقل وارد شده به معادله رگرسیونی قابل تبیین است. در راستای بررسی تایید یا رد فرضیات پژوهش نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر چه افراد متاهل نگرش جنسیتی و نگرش به ازدواج تجددگرایانه‌تر، رضایت از زندگی بیشتر، رضایت جنسی بیشتر، نگرش **مشتری** به اعتماد خانوادگی در جامعه، نگرش حق طلبانه بیشتری در زندگی خانوادگی داشته باشند میزان تعارض زناشویی آنها کمتر است و این نتیجه همراستا و در تایید فرضیات مطرح شده پژوهش است. علاوه بر این نتایج پژوهش و بررسی فرضیات تحقیق بیانگر این مطلب است که هر چه معیارهای خوشبختی افراد متاهل به سمت عوامل مادی و اقتصادی سوق بیشتری داشته باشد و همچنین هر چه مشاهده خشونت بین والدین در افراد متاهل بیشتر باشد، میزان تعارض زناشویی آنها بیشتر است که نتایج این نیز به مانند نتایج بررسی سایر فرضیات نشان از تایید فرضیات مطرح شده پژوهش هستند.

۵-۳ نتیجه گیری

به عنوان نتیجه‌گیری کلی می‌توان اینگونه بیان کرد که نظام ارزشها در ایران دچار تغییر و تحولاتی شده و به سوی ارزشهای مدرن و تجددگرایانه سوق یافته است. با در نظر گرفتن این مطلب که وجود مقداری اختلاف نظر و تعارض در هر خانواده‌ای امری طبیعی و قابل اغماض است نتایج این تحقیق بیانگر این مطلب است که در مجموع ۴۴,۱ درصد زوجین متاهل دارای تعارض متوسط با یکدیگر هستند که البته ۱۷,۵ درصد این مقدار دارای تعارض شدید همسرشان هستند و در این بین متغیر حق طلبی بیشترین تاثیر را بر

بروز تعارض بین زوجین دارد. حق طلبی یکی از شاخصه‌های اصلی ارزشهای تجددگرایانه و مدرن است و بر فردگرایی و ابراز وجود و انتخابگری و آزادی بیشتری تاکید داشته که با روح خانواده که نهادی جمع‌گرا، مسئولیت‌محور و تکلیف‌محور است، تباین ماهیتی دارد. در واقع ارزشهای قدیم یا سنتی بر پیوند و جمع‌گرایی و تشکیل و حفظ خانواده تاکید کنند و ارزشهای جدید بر آزادی عمل و خودآفرینی و حق طلبی که نتیجتاً نفوذ ارزشهای جدید سبب اختلالاتی در نهادهایی مانند خانواده می‌شود که در بستر و بر مبنای نظام ارزشهای پیشین و سنتی قوام و شکل یافته‌اند. شدت حق طلبی در نمونه مورد بررسی در این تحقیق زیاد نیست، بطوری که تنها ۷,۱ درصد از نمونه دارای حق طلبی شدید هستند ولی این را باید در نظر گرفت که نمونه مورد بررسی این تحقیق افراد متاهل و دارای همسر و خانواده هستند و طبیعتاً بخش اعظم آنها تکالیف و مسئولیتهایی که زندگی خانوادگی به آنها تحمیل کرده پذیرفته و به همین دلیل زندگی خانوادگی آنها ادامه یافته است. به همین دلیل به نظر می‌رسد اگر پژوهشی در رابطه با میزان حق طلبی افراد مطلقه صورت گیرد، احتمالاً شدت بالای حق طلبی این افراد بدست خواهد آمد؛ چرا که در تحقیق حاضر نیز این نتیجه بدست آمد که هر چه حق طلبی افراد بیشتر باشد میزان تعارض نیز بیشتر خواهد شد و اگر این فرض پذیرفته شود که هر چه شدت تعارض بیشتر شود، احتمال طلاق بیشتر خواهد شد، گزاره فوق‌الذکر منطقی-تر به نظر خواهد آمد.

به عبارت دیگر در دنیای سنت به علت وجود ارزشهای تکلیف‌محور و جمع‌گرا قاعدتاً به ازدواجی با تعارض پایین منجر خواهد شد ولی در بستر زندگی مدرن و ارزشهای تجددگرایانه آن که بر حق طلبی و انفراد تکیه دارد، اتفاقاً این همسانی ارزشی افراد تعارضهایی از جنس محدود شدن آزادی و انتخاب در زندگی خانوادگی را پیش خواهد آورد که نتیجتاً در ابتدای امر سبب کاهش میل به ازدواج در جوان و تن ندادن به قبول مسئولیت زندگی خانوادگی و متعاقباً بعد از ازدواج (با کاهش در نرخ آن) سبب بروز تعارض و افزایش نرخ طلاق در جامعه خواهد شد. در واقع در دنیای جدید برای افرادی که دارای نگرشهای تجددگرایانه و حق-طلبانه شدید هستند، قبل ورودشان به زندگی خانوادگی و تشکیل خانواده بستر ایجاد تعارض و درگیری با همسرشان فراهم است، چرا که نهاد خانواده به دلیل تکلیف‌محور بودن زمانی می‌تواند با حداقل تعارض تداوم خود را حفظ کند که افراد یا از میزان حق طلبی و تکلیف‌محوری متعادل برخوردار باشند. روندی که در زمینه تغییر ارزشها و نگرشها در نهاد خانواده ایران در حال وقوع است امر چندان غیرمعمولی نیست بلکه نفوذ ارزشهای مدرنتی و عواقب آن در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۶۰ نیز در اروپا و امریکا نیز اتفاق افتاده و بر اساس این به نظر می‌رسد نظریه نوسازی و تغییرات فرهنگی اینگلهارت نیز برای تبیین مسئله تعارض بین زوجین در دنیای امروز تبیین‌کننده‌تر باشد هر چند که نظریه گذار دوم جمعیتی برای توصیف تحولات زندگی خانوادگی از جمله کاهش میل به ازدواج و باروری پایین و افزایش نرخ طلاق و ... در ایران معاصر می‌تواند

راهگشا باشد ولی یابد این نکته را مد نظر قرار داد که تحولات مذکور پیامد تغییر و تحولاتی است که در ساختار اجتماعی و به تبع آن در ارزشهای اساسی جامعه به وقوع پیوسته است که نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت بر آن صحنه می‌گذارد.

یکی دیگر از متغیرهای مهم تاثیرگذار بر افزایش تعارض بین زوجین متغیر مشاهده خشونت بین والدین است. در این باره می‌توان اینگونه استدلال کرد که خشونت و تعارض والدین از طریق یادگیری اجتماعی و یا جامعه‌پذیری در ذهن کودک ته‌نشین می‌شود و در زمان تاهل خود در قابل تعارض و خشونت با همسر خود تجلی پیدا می‌کند. در رابطه با سایر متغیرهای تاثیرگذار بر افزایش تعارض بین زوجین نیز بایستی به این نکته توجه داشت که این متغیرها که شامل سرمایه فرهنگی، متغیر نگرش به ازدواج (سنتی و مدرن)، تحصیلات زوجین، نگرش جنسیتی و فشار شغلی هستند در واقع یک مجموعه در هم تنیده را تشکیل می‌دهند که در ارتباط متقابل با تغییر ارزشها از سنتی به سمت مدرن قرار دارند که هم عامل ایجاد و هم تقویت‌کننده و تشدیدگر یکدیگر هستند. به عبارت دیگر افزایش سرمایه فرهنگی، نگرش مدرن به ازدواج، افزایش تحصیلات، نگرش جنسیتی مدرن و فشار شغلی (که غالباً افراد پیشرفت شخصی را در آن جستجو می‌کنند) هم خود نتیجه تغییر ارزشهای اجتماعی و فرهنگی به سمت ارزشهای تجددگرایانه و مدرن هستند و هم عامل بازتولیدکننده و تقویت‌کننده ارزشهای مذکور در جامعه هستند و از آنجا که تمامی این در متغیرها ذهن را به سمت فردگرایی، توجه به آزادی‌های فردی، خودآفرینی، حق‌طلبی و پیشرفت فردی سوق می‌دهند می‌توان انتظار داشت که تشدید این خصوصیتها در زندگی خانوادگی که نهادی به جای مانده از سنت است و بر تکلیف‌محوری، مسئولیت‌پذیری در قبال سایر افراد خانواده، گذشت، فداکاری، توجه کمتر به خواسته‌های شخصی و تحمل و سازگاری تاکید دارد، سبب بروز تعارض و درگیری بین همسران خواهد شد.

در رابطه با متغیر رضایت جنسی نیز که با افزایش آن میزان تعارض زوجین کاهش می‌یابد در راستا و پیوند با سایر متغیرهای مستقل تحقیق می‌توان اینگونه استدلال کرد که در دنیای سنت این متغیر غالباً منبع و منشأ تعارض بین زوجین نبوده است و بیشتر در قالب امری طبیعی که در خدمت تولید مثل و تداوم نسل خانواده است دیده می‌شد ولی با نفوذ ارزشهای مدرن و تغییر ماهیت تامین نیازهای جنسی به عنوان یکی از اهداف اصلی ازدواج طبیعتاً بایستی انتظار داشت که افراد با نگرش تجددگرایانه به این متغیر توجه ویژه‌ای داشته باشند و با کاهش رضایت جنسی، تعارض بین زوجین افزایش یابد و بالعکس. البته باید به این نکته که قبلاً ذکر شد نیز توجه داشت که میزان رضایت جنسی زوجین در این تحقیق بالا بوده چرا که پاسخگویان این تحقیق افراد متاهلی بودند که کماکان زندگی خانوادگی داشتند ولی به نظر می‌رسد که اگر تحقیق در بین زوجهای در شرف طلاق یا طلاق گرفته انجام شود شدت تاثیر این متغیر و سایر متغیرهای مذکور قابل توجه‌تر از نتایج این تحقیق باشد. در رابطه با متغیرهای تعداد سالهای ازدواج و سن افراد نیز که

با افزایش آنها میزان تعارض بین زوجین کاهش می‌یابد، در راستای نظریه تغییر فرهنگی اینگلهارت می‌توان اینگونه استدلال کرد که شیوع ارزشهای مدرن در جامعه ایرانی به واسطه نفوذ رسانه‌ها و ارتباطات جهانی از دهه ۷۰ به بعد گسترش بیشتری یافته و به همین علت میزان تشدید و تقویت شاخصهای تفکر تجددگرایانه از این دهه به بعد در ایران رو به گسترش بوده و افراد را تحت تاثیر بیشتری قرار داده‌اند؛ به همین دلیل هر چه سن و تعداد سالهای ازدواج افراد بیشتر باشد قاعداً تاثیرپذیری کمتری نسبت به نسل جوانتر از ارزشهای مدرن و ابعاد و شاخصهای مختلف آن داشته و به همین دلیل با تعارض کمتری با همسران خود در نهاد خانواده مواجه هستند. با توجه به مطالب فوق الذکر می‌توان اینگونه استدلال کرد که نظریه تغییرات فرهنگی اینگلهارت می‌تواند توان تبیین‌کننده‌گی بالایی برای تبیین مسئله بروز تعارض زناشویی در جامعه معاصر ایران داشته باشد، چرا که تغییرات به وجود آمده در ارزشهای افراد همراستا با تغییراتی است که اینگلهارت در چند دهه گذشته جوامع پیشرفته مشاهده و بر مبنای آن نظریه تغییرات فرهنگی را مطرح کرده است. به همین سبب می‌توان نتایج این پژوهش را همراستا و همسو با اجزاء نظریه تغییرات فرهنگی در زمینه تغییرات ارزشی در نهاد خانواده دانست. علاوه بر این ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که تحقیقات پیشین صورت گرفته در زمینه تعارض زناشویی در ایران با رویکردهای نظری متفاوتی هدایت شده ولی هیچ کدام مسئله تعارض زناشویی را از نظرگاه تغییرات ارزشی در جامعه مورد بررسی قرار نداده‌اند به همین جهت این تحقیق از جنبه نظری با تحقیقات پیشین تفاوت عمده دارد. از منظر یافته‌های بدست آمده نیز می‌توان اینگونه عنوان کرد که نتایج بدست آمده در این تحقیق در برخی از جنبه‌ها مانند نقش رضایت جنسی و افزایش طول مدت ازدواج در کاهش تعارض زناشویی با نتایج تحقیقات لهسایی زاده و همکاران (۱۳۹۲) و مسعود اصل و راد (۱۳۹۵) و در جنبه تغییر و تحولات به وجود آمده در روابط زناشویی و توقعات همسران از یکدیگر با تحقیقات جهانی دولت آباد و حسینی (۱۳۹۴) و ناجی اصفهانی و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

۶- منابع

- اجاقلو، سجاد و سرایی، حسن (۱۳۹۳): مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳.
- امرالهی ریحانه، روشن چسلی رسول، شعیری محمدرضا و نیک آذین امیر (۱۳۹۲): تعارض زناشویی، رضایت زناشویی و رضایت جنسی: مقایسه زنان دارای ازدواج‌های فامیلی و غیر فامیلی، روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)، بهار و تابستان ۱۳۹۲، دوره ۲۰، شماره ۸، صص ۱۱-۲۲.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳): تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات روزنه.
- بلالی، اسماعیل؛ بختیاری سفر، زهره؛ محمدی، اکرم و محقق، حسن (۱۳۹۵): عوامل موثر بر تضاد نقش‌های زنان و رابطه آن با تعارضات خانوادگی در شهر همدان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و هفتم، شماره پیاپی (۶۴)، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۱۷-۱۳۲.
- تقوی، نعمت‌الله؛ عباس زاده، محمد و رفیعی اصل، ثریا (۱۳۹۲): تعیین عوامل فردی - اجتماعی مرتبط با میزان سازگاری زناشویی (مطالعه موردی خانواده‌های شهر مرند)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره سی و ششم، بهار ۱۳۹۲، صص ۲۱-۳۹.

- جهانی دولت‌آباد، اسماعیل، حسینی، سید حسن (۱۳۹۴): مطالعه جامعه‌شناختی علل و زمینه‌های بروز تعارض زناشویی در شهر تهران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۲۹-۳۶۴.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵): جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نی.
- رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۹۸): رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲): نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- زارع‌نژاد، حمیده، حسینی، سید محمدرضا و رحمتی، عباس (۱۳۹۸): رابطه احقاق جنسی و ناراضی‌ت جنسی با بی رمقی زناشویی: نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی، مشاوره و روان درمانی خانواده، شماره ۲۷، صص ۱۹۸-۲۱۶.
- زنجانی‌زاده، هما (۱۳۸۶): تحلیل رابطه آموزش و پرورش و نابرابری‌های جنسیتی، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز ۱۳۸۶، دوره ۲۳، شماره ۳ (مسلسل ۹۱)؛ صص ۵۵-۷۰.
- سرایی، حسن (۱۳۸۵) "تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران" نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۵.
- سرایی، حسن (۱۳۸۷) "گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران" نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۷.
- سفیری، خدیجه و محرمی، معصومه (۱۳۸۸): بررسی پیوند ناهمسان‌همسری فرهنگی با میزان اختلافات زناشویی، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۷، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۱-۵۱.

- عنایت، حلیمه، دسترنج، منصوره و سلمانی، فائز (۱۳۹۰): بررسی عوامل مرتبط با اختلافات خانوادگی، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰، ص ۱-۲۰.
- کاوه‌فارسانی، ذبیح‌الله و عارفه، مهدیه (۱۳۹۹): واکاوی راهبردهای زوجین در مواجهه با تعارضات زناشویی: یک نظریه زمینه‌ای، خانواده‌پژوهی سال شانزدهم بهار ۱۳۹۹ شماره ۶۱، صص ۷۵-۹۵.
- گزارش موج سوم ارزشها و نگرشهای ایرانیان، ۱۳۹۴، وزارت ارشاد یعقوبی، علی. (۱۳۹۳). مطالعه کیفی تعارض ارزشی بین نهادهای اجتماعی خانه و مدرسه (مورد مطالعه: دانش آموزان استان گیلان)، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۲ (۱)، صص ۱۶۷-۱۹۹.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، مردانی، مرضیه و حکیمی‌نیا، بهزاد (۱۳۹۲): بررسی عوامل مرتبط با تعارضات زناشویی در شهر شیراز، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر، سال هفتم، شماره چهارم، پیاپی (۲۳)، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱-۱۸.
- عباسی شوازی، محمد جلال، حسین محمودیان، رسول صادقی، زهرا قربانی (۱۳۹۷). تأثیر جهت‌گیریهای ارزشی - نگرشی بر ایده‌آلهای فرزندآوری در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، سال سیزدهم، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۳۷-۶۶.
- حسینی، حاتم. (۱۳۹۰)، جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده، چاپ چهارم، ویراست دوم، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- مختاری، مریم و عنایت، حلیمه (۱۳۹۰): نقش نگرشهای جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان (مطالعه موردی: زنان تحت عمل جراحی زیبایی در شهر شیراز)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳، پاییز، صص ۶۷-۸۷.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۷): گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و همبسته‌های اقتصادی اجتماعی آن در شهر تهران، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۹، شماره ۱ - شماره پیاپی ۶۹، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۴۷-۱۶۶.

- مسعودی اصل، شبنم و راد، فیروز (۱۳۹۵): بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با ناسازگاری زناشویی در شهر تبریز، مطالعات جامعه‌شناسی، سال هشتم، شماره سی و یکم، تابستان ۱۳۹۵، ص ۴۷-۶۸.
- مسعودی نیا، زهرا؛ بانکی پور فرد، امیرحسین و قلی‌زاده، آذر (۱۳۹۴): مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، پیاپی (۵۷)، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، ص ۳۹-۶۴.
- ناصری، سهیلا؛ ساروخانی، باقر؛ وحیدآ، فریدون و بهیان، شاپور (۱۳۹۵): بررسی جامعه‌شناختی گونه‌شناسی خانواده و فرزندمداری در شهر تهران، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق) دوره ۱۰، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۵، صص ۷-۳۲.
- نیازی، محسن و مرتضوی، آمنه (۱۳۹۴): بررسی و تحلیل نظریه کنش متقابل نمادین، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، آبان ۱۳۹۴، تهران.
- ناجی اصفهانی، زهرا، جهانگیری، جهانگیر و لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۹۷): کاوش در چگونگی حل مسئله در بین همسران تازه ازدواج کرده ی شهر اصفهان، قصتنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۲۱، شماره ۸۱، پاییز، ۱۳۹۷، ص ۸۳-۱۰۹.
- Agboola, j. O., & oluwatosin, s. A. (۲۰۱۸). Patterns and causes of marital conflict among staff of selected universities in southwest nigeria. *Advances in social sciences research journal*, ۵(۸) ۳۰۶-۳۲۰.
- Asadi, zahra sadat; sadeghi, roya; taghdisi; mohammad hossein; zamani-alavijeh, freshteh, shojaeizadeh, davoud & khoshdel, ali reza (۲۰۱۶): sources, outcomes, and resolution of conflicts in marriage among iranian women: a qualitative study, *electronic physician*, march ۲۰۱۶, volume: ۸, issue: ۳, pages: ۲۰۵۷-۲۰۶۵.

- Birditt, k ira s. & brown, edna & orbuch, terri l. & mcilvane, jessica m. (۲۰۱۰): marital conflict behaviors and implications for divorce over ۱۶ years, journal of marriage and family ۷۲ (october ۲۰۱۰): ۱۱۸۸ – ۱۲۰۴.
- Delatorre, marina zanella & wagner, adriana (۲۰۱۵): marital conflict management of married men and women, psico-usf, bragança paulista, v. ۲۳, n. ۲, p. ۲۲۹-۲۴۰, abr./jun. ۲۰۱۸.
- Dillon, lisa m & nowak, nicole & weisfeld, glenn e. & weisfeld,, carol c. & shattuck, kraig s. & imamoğlu, olcay e.& butovskaya, marina & shen, jiliang (۲۰۱۵): sources of marital conflict in five cultures, evolutionary psychology, www.epjournal.net – ۲۰۱۵. ۱۳(۱): ۱-۱۵
- <https://ourworldindata.org>
- Lesthaeghe, r. (۲۰۱۰). “the unfolding story of the second demographic transition,” population and development review ۳۶(۲): ۲۱۱-۲۵۱.
- Thornton, Arland & Binstock, Georgina & Yount, Kathryn & Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal & Ghimire, Dirgha & Xie, Yu (۲۰۱۰): International Fertility Change: New Data and Insights from the Developmental Idealism Framework, Population Studies Center Research Report ۱۰-۷۱۳ June ۲۰۱۰.
- Tolorunleke, Caroline. (۲۰۱۴). Causes of Marital Conflicts Amongst Couples in Nigeria: Implication for Counselling Psychologists. Procedia - Social and Behavioral Sciences. ۱۴۰. ۲۱-۲۶.
- Manickam, l.s.s. & suhan, b.t. I (۲۰۱۴): marital conflict: an exploration of relationship issues in couples through sis-ii, sis j. Proj. Psy. & ment. Health (۲۰۱۴) ۲۱: ۳۷-۴۱
- Mosmann clarisse & falcke, denise (۲۰۱۱): marital conflicts: causes and frequency, revista da spagesp - sociedade de psicoterapias analíticas grupais do estado de são paulo, jul.-dez. ۲۰۱۱, vol. ۱۲, no. ۲, pp. ۵-۱۶.

- Obeleniene, birute and gabseviciene, gintare (۲۰۱۵): causes of conflict in marriage as expressed by moderators and participants of the "encounters of married couples" programme, the pontifical university of john paul ii in krakow press, ۲۰۱۵.
- Papp, lauren m.(۲۰۱۷): topics of marital conflict in the everyday lives of empty nest couples and their implications for conflict resolution, journal of couple & relationship therapy, vol ۰, no ۰, ۱-۱۸.
- Sabteahval.ir/home
- Vandeka, j. (۲۰۰۲). “ the idea of a second demographic transition in industrialized countries”paper presented at the sixth welfar policy seminar of the national instiute of population and social security, tokyo, japan, ۲۹ january ۲۰۰۲.
- Abelnah Shemaye Tasew & Koye Kassa Getahun | Giulia Prete (Reviewing editor) (۲۰۲۱) Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia, Cogent Psychology, ۸:۱
- Wagner, a., mosmann, c. P., scheeren, p., & levandowski, d. C. (۲۰۱۹). Conflict, conflict resolution and marital quality. Paidéia, ۲۹, article e۲۹۱۹. <https://doi.org/10.1590/1982-4327e2919>
- Zarei m, nazari am, zahrakar k. Investigating the relationship of forgiveness and religious orientation to marital conflict. Journal of pizhūhish dar dīn va salāmat. ۲۰۲۰;۶(۲):۸۷-۹۹